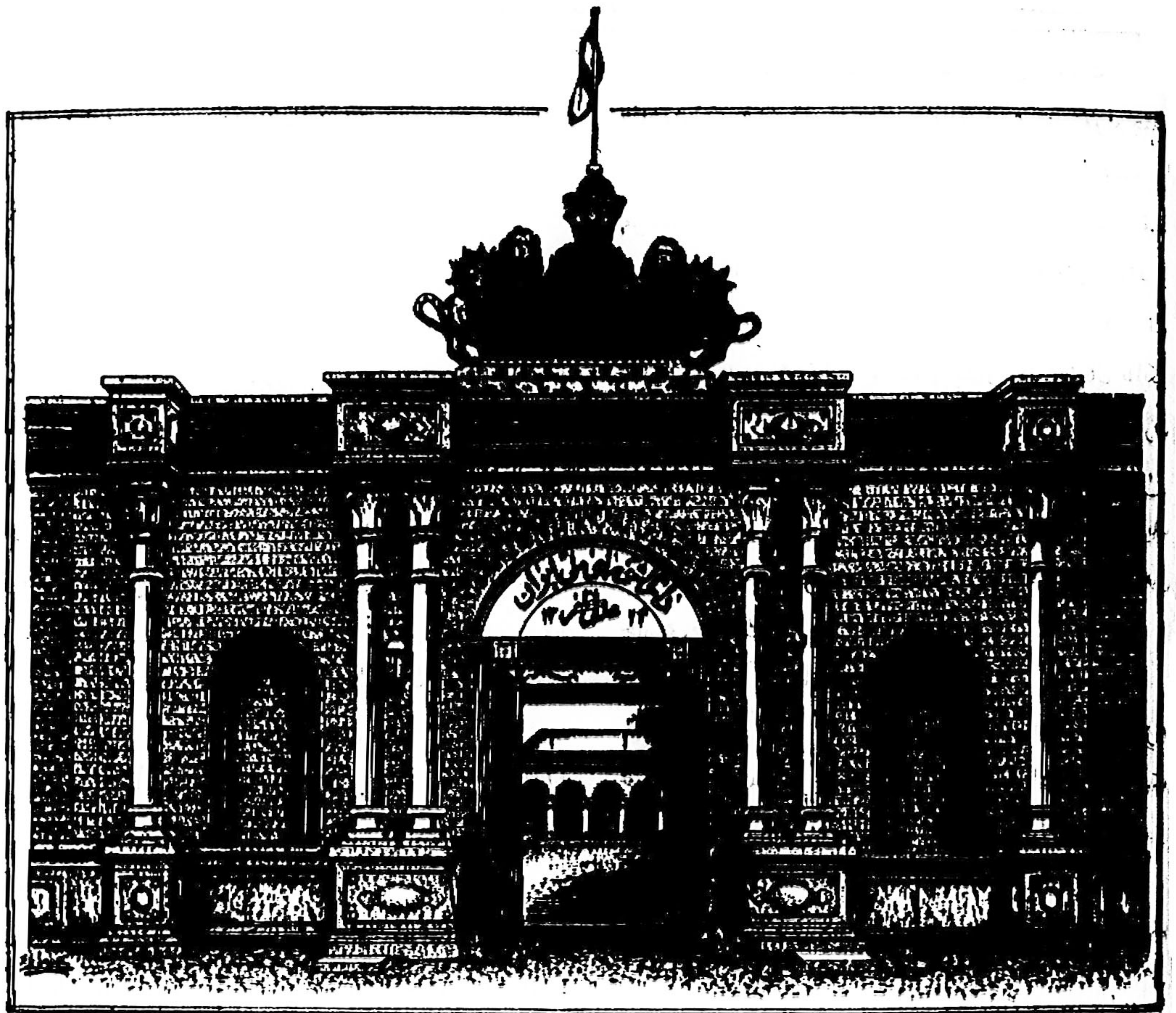


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۲۴۴</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۰۹</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۶ ذیقعده الحرا ۱۳۴۶</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات شروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

# فہرست مندرجات

نمبر	عنوان	از صفحہ	الی صفحہ
۱	نصوبہ مرخصی آقای اسعد	۴۴۱۰	
۲	ادامہ مذاکرات اسبت بخبر کمیسیون بودجه راجع باعزام محصل باروہا	۴۴۱۱	۴۴۲۶



# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۶ ذیقعده الحرام ۱۳۴۶

### جلسه ۲۴۴

غائبین با اجازه جلسه قبل  
 آقایان: آیه الله زاده خراسانی - لکهنیان - میر ممتاز  
 حیدری مگرمی - دهستانی - میرزا محمد نقی طباطبائی -  
 امیر ندمور کلانی - افسر - آقا زاده سبزواری - امامی

(مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای  
 پیرنیا تشکیل گردید)  
 (صورت مجلس یوم سه شنبه ۲۵ اردیبهشت  
 را آقای دولتشاهی قرائت نمودند)

خوئی - لفة الاسلامی - جهانشاهی - اسکندری - جوالشیر سلطان محمد خان امری - محمود رضا - مبرز - حسین خان ابراهیمی - مولوی

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: اسدی - جشیدی مازندرانی - ذوالقدر - حاج میرزا حبیب الله امین - اعظمی - قوام شیرازی - مهدوی - مقدم - عباس میرزا - حاج حسن آقا ملک - لبقوئی - محمد ولیم میرزا - فرشی - حاج غلامحسین ملک در آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: امام جمعه شیراز - ملک مدنی - دشتی - شریعت زاده - الحمی - حاج آقا حسین زنجانی - معتضد استرآبادی

در آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: روحی - مرضی قلیخان بیات

رئیس - آقای عمادی

عمادی - عرض میکنم که بنده خواستم تذکر بدم که آقای جشیدی علت غیبتشان این است که یکی از بستگانشان سخت افتاده و مرخصی هم خواسته اند منتها بواسطه عدم انعقاد کمیسیون عریض اجازه داده نشده خواستم این تذکر را بدم تا اینکه کمیسیون تشکیل شود و اجازه ایشان صادر شود و دیگر اینکه این اولین دفعه است که ایشان مرخصی خواسته اند

رئیس - دستور عهد نامه مودت و تجارت باهلستان است

بعضی از نمایندگان - بعد از لایحه اعزام محصلین

رئیس - بعد از لایحه اعزام محصلین

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود

( بشرح ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم خبر کمیسیون بودجه راجع بطلب

آقای احتشام السلطنه جزو دستور شود حشمتی

حشمتی - خاطر محترم آقایان مستحضر است که این

طلب آقای احتشام السلطنه متعلق بزمان سفارت کبرای اسلامبول و مخارج اعضاء سفارتخانه است در موقع جنگ بین المللی که دولت نتوانست طلب مسلم اعضاء را بفرستد آقای احتشام السلطنه مجبور شدند برای حفظ حیثیات مملکت و دولت این وجه را قرض کنند و حقوق اعضاء و مخارج سفارت را بدهند از آنوقت تا بحال این وجه همینطور مانده و ایشان در چنگال طلبکار های خارجی گرفتارند يك دقیقه این کار بیشتر صرف وقت ندارد آقایان محترم مساعدت فرمایند که این لایحه مطرح شود و تکلیفش معلوم شود که حقیقه يك نفر خدمتگذار صدیق حقیقی مملکت از فشار طلبکارهای خارجی راحت شود

رئیس - آقای باستانی

باستانی - البته آقا صدیق میفرمایند که لایحه اعزام محصلین از نقطه نظر ترتیب کارها مقدم است و خوب است آقای حشمتی از پیشنهاد خودشان صرف نظر کنند و بگذارند برای جلسات بعد

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام فرمایند

( عده قلیبی قیام نمودند )

رئیس - تصویب نشد

( خبر کمیسیون عریض بشرح ذیل قرائت شد )

نماینده محترم آقای محمد تقی خان اسعد از اول دوره ابتدا غایب نبوده اند اینک نیز مطابق شرحی که مقام منیع ریاست عالییه دامت شوکتیه عرض نمودند برای انجام امور طایفه کی و رسیدگی باموارات داخلی خود ایجاب مینماید که دو ماه از تاریخ حرکت غایب با اجازه باشند کمیسیون مضمون تقاضا نامه نماینده معزی الیه را تصدیق و با مرخصی ایشان موافق اینک خبر آن را تقدیم مینماید مخبر اسد الله زوار

رئیس - رأی میکنیم باین خبر آقایان موافقین

قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد - ماده دوم مطرح است ( بشرح ذیل قرائت شد )

ماده دوم - محصلین اعزامی باید واجد شرایط ذیل باشند

الف - تابعیت ایران

ب - دادن امتحان مطابق پروگرام مسابقه که از طرف وزارت معارف تهیه خواهد شد و نباید کمتر از پروگرام مدارس متوسطه باشد دارندگان تصدیقنامه مدارس عالییه یا متوسطه و یا فنی با تساوی شرایط مسابقه حق تقدم خواهند داشت

ج - تقبل اینکه در مالک و در شعب علمی که از طرف دولت معین خواهد شد تحصیل نموده و پس از فراغ تحصیل و اخذ دیپلم ضعف مدنی را که در خارج بخرچ دولت تحصیل کرده اند در شعبه تحصیلات خود بدولت خدمت نمایند

رئیس - آقای بامداد

بامداد - حاجت بعرض و اظهار نیست که بنده این لایحه را لایحه سعادت مملکت میدانم و اگر میدانم برای اظهار نظر بنام نیم رأی از آراء این لایحه کم میشود این عرض را نمیکردم و چون خیلی علاقه مند هستم این است که نظر بنام را عرض می کنم که اگر این لایحه خوب است خوبتر شود اگر مفید است مفید تر شود در اینجا قبول شدن شاگرد را برای رفتن موکول کرده است به مسابقه که اصل مسابقه لا اقل بقدر پروگرام متوسطه باشد بنده در این باب که فکر کردم دیدم باز برای محصلینی که با کمال فداکاری و گذاشتن قوای دماغی خودشان روی تحصیل و موفق شدن به گرفتن تصدیق يك بدیجی دیگری تهیه شده است پروگرام متوسطه را اگر آقایان در نظر داشته باشند يك پروگرام طاقت فرمائی است علاوه بر اینکه جنبه عمل ندارد (چنانچه در جلسه قبل هم عرض کردم) يك کسی موفق به پیش بردن این پروگرام میشود که حافظه اش خوب باشد

آنوقت هم بعد از اینکه موفق به اخذ دیپلم میشود بعد از سه ماه چهار ماه شش ماه به تفاوت قوای حافظه اشخاص محققاً از یادش میرود این محقق است هر کس که فی الجمله در معارف بوده یا هر کس که علاقه داشته باشد به اینکه واقعاً بفهمد مراتب تحصیلات پسرش را در مدرسه و بعد از امتحان و بعد از فراغت و گرفتن دیپلم این را تصدیق میکنند که یادش رفته است حالا اینکه یادش رفته دو مرتبه میگویند بیا و امتحان بده یعنی دو مرتبه بیا و بگو که چند تا دره و ماهور در جبال پیرنه هست با قفقاز جبالش چند تا است با چند تپه دارد که هیچوقت در عمر يك جوانی عمل نمیشود بالاخره دو مرتبه باید این را از سر بگیرد آن وقت میگویند کمتر از پروگرام مدرسه متوسطه نباشد یعنی ممکن است بیشتر باشد این یعنی چه؟ شما آمده اید این شاگرد را تا کلاس شش متوسطه یعنی تا کلاس نهائی درس داده اید آنوقت بموجب اینها شما حق دارید زیاد تر از پروگرام سابق هم از اینها بخواهید این اولاً تساوی زائد و ناقص میشود این یعنی چه؟ اگر چنانچه وزارت معارف يك اضافاتی در پروگرام امسال قائل شده پارسال که این اضافه در پروگرام نبوده است سابقاً کلاس هفتم يك معرفه الحیوان داشت امسال نود صفحه معرفه النبات بود او افزوده شده قسمت اصول عقاید و اخلاق افزوده شده خوب کسی که فارغ التحصیل از امتحان پیرارسال بوده حالا که آمده است امتحان بدهد علاوه بر اینکه به او میگویند کمتر از تحصیلات متوسطه نباشد آیه میخوانند مطابق پروگرام امسال او را امتحان کنند؟ و همین تناسب از کلاسهای پائین يك قسمتهائی افزوده اند تا کلاس دوازدهم که همین کلاس ششم متوسطه باشد و بطور تصاعد بالا رفته اند که اساساً بنده مخالفم فرض فرمائید يك رئیسی برای خوش آمدن فلان وزیر یا در شورای عالی معارف میگوید این قسمت را هم خوب است و باید که در پروگرام اضافه شود شما ملاحظه فرمائید

بحال شاگرد چه میگذرد تا این خوبی را از عهده برآید يك نکته دیگری که هی پروگرام را زیاد میکنند که دولت فرانسه هم گرفتار همین نکته است این است که آنها وقتی امتحان دادند فشار میآورند که ما کار میخواستیم اینها هم بر پروگرام میافزایند که کمتر گرفتار باشند آنوقت نتیجه این میشود که قوای دماغی محصل از بین میرود. عرض میکنم پروگرام امسال را آمده اند و زیاد کرده اند آنوقت در قانون مینویسد کمتر از پروگرام مدارس متوسطه نباشد این است که بنده میخواهم این نکته را توضیح بدهم که کمتر نباشد یعنی چه؟ یعنی کسی که مدرسه متوسطه را تمام کرده ممکن است مطابق پروگرام مدارس عالییه امتحان بدهد؟ بالاخره این را توضیح بدهند و این مسأله که نوشته اند «دارندگان تصدیقنامه مدارس عالییه یا متوسطه و یا فنی یا تساوی سایر شرایط مسابقه حق تقدم خواهند داشت» در این باب هم بنده چندان مخالفتی ندارم فقط میخواستم معاون وزارت معارف که حقیقه ایشان به گذراندن این لایحه خیلی علاقه دارند توضیح بدهند که مقصود از این قسمت چیست؟ آیا نظر این است که يك اشخاصی که حقیقه در خارج از مدرسه و در يك جاهائی تحصیلاتی کرده اند و حقیقه مردمان فاضلی هم هستند و مطابق پروگرام متوسطه و بلکه بیشتر حقیقه تحصیل کرده اند که بعضی هم در مواقع امتحان داو طلب میشوند اشخاصی که تصدیق نامه دارند بر اینها مقدم خواهند بود؟ چون ممکن است اینها محروم بمانند یا خیر اگر بخوانند تحصیلات عالییه را تکمیل میکنند بسم الله راه برایشان باز است؟ این اشخاص فضل عمیق دارند و هر کس باینها بر بخورد میفهمد؛ چون خودشان علاقه مند به تحصیل علم بوده اند و نحت دبسپلین مدرسه یا فشار پدر و مادر درس خوانده اند خودشان میل داشته اند رفته اند و درس خوانده اند و عمقاً هم درس خوانده اند آنوقت چه جهت دارد ما حق تقدم قائل شویم برای کسیکه تصدیقنامه دارد؟

باین پروگرام که همانطور که عرض کردم مثلاً میگویند جبال آلپ را بگوئید که بد بختانه اگر نکوید رفوز، میشود این هم یکی از بد بختی های پروگرام است بنده عقیده ام این است که اینقدر ها شاگرد نداریم که بخوایم این تشریفات و قیود را برایشان قائل شویم که این بد بختها محروم مانند این است عقیده بنده معاون وزارت معارف - نماینده محترم معلوم میشود پروگرام دوره متوسطه را خیلی زیاد دانسته اند برای انتخاب محصلین اولاً اینکه فرمودند پروگرام مدرسه متوسطه خیلی سنگین است و طاقت فرسا است. اینطور نیست تعلیمات وسطی يك مرحله است برای تربیت شاگرد که بتواند ادراك تعلیمات عالییه را بکند این يك چیزی نیست که به مقتضیات زمان با مکان تغییر پذیر باشند که بگوئیم فرانسه یا انگلستان یا بلژیک پروگرام متوسطه اش اینست و ایران بمقتضیات زمان و تناسب مکان باید اینطور باشد تحصیل علم طب يك مقدماتی دارد. این مقدمات در همه جا یکسان است. مهندس يك مقدماتی دارد. که تا این مقدمان رافرا نگیرند نمیتوانند ریاضیات عالییه را بفهمند بالاخره تنظیم و ترتیب پروگرام متوسطه باید همیشه متناسباً احتیاج تعلیمات عالییه باشند چیزی نیست که زمان و مکان در اینجا مداخلت داشته باشد اگر زمان و مکان تأثیری در پروگرام تعلیمات عالییه کرد البته در وسطی هم باید بکنند اگر آقایان احساس میکنند که پروگرام متوسطه ما زیاد است ظاهراً همینطور است ولی سنگین نیست چیزی که هست وسائل موجود نیست مثلاً فرض بفرمائید شیمی، این شیمی که ما داریم همان مواد است که در پروگرام فرانسه یا بلژیک یا يك کم و زیادتی تدریس میشود چیزی که هست برای تعلیم همین شیمی در آنجا ها يك وسائل و يك لابوراتوار هائی دارند که برای فهم شاگردان آسان تر میشود و این پروگرام برایشان خیلی شاق و پر زحمت نیست ولی در اینجا کمتر این وسائل را داریم و بالاخره این

بفرض در پروگرام نیست بلکه در وسائل اعمال است و اینکه فرمودند امتحان دوره متوسطه خیلی مشکل است برای اینکه چیزهائی را که یاد گرفته اند بعد از شش ماه فراموش کرده اند و از عهده امتحان شاید برنیایند اینطور نیست ما نمایانیم تمام پروگرام شش ساله متوسطه را از شاگردانی که میخواهند امتحان بدهند امتحان کنیم این موادی که در دوره متوسطه در شش سال درس داده میشود اینها يك رشته هائی است که از سال اول تا سال ششم با هم ارتباط دارد. مثلاً در ریاضیات در قسمت مثلثات وقتی يك کسی میآید مثلثات را امتحان بدهد طبیعی است اگر قسمتهای اول را نداند یا مثلاً مسائل هندسه و جبر و مقابله را نداند یا سایر علوم ریاضی را نداند و کابل نباشد مثلثات را نفهمد پس وقتی که ما میخواهیم ریاضی را امتحان بکنیم دیگر نمی چسبیم که حتماً امتحان حساب هم باید بدهی. جبر را هم امتحان بدهی یا فلان چیز را امتحان بدهی. بالاخره ما همان قسمت مثلثاتی را که در قسمت سال آخر است آن را که امتحان کردیم از روی او معلوم میشود که تمام این ریاضیات و علومی که مربوط به این قسمت است اینها را شاگرد میدانند و میفهمند و بعبارة اخیری آن موادیکه يك ارتباط کامل دارد با تحصیلات اولیه آن را در قسمت سال آخر امتحان میدهند آن موادی که در سال آخر نیست و در سال پنجم متوسطه تمام شده در پروگرام سال پنجم و آنکه در سال چهارم تمام شده در پروگرام سال چهارم امتحان میکنند پس تمام مواد پروگرام همه را در ظرف شش سال یکمرتبه امتحان نمیکند و به مناسبت ارتباط آن سایر مواد معلوم میشود که همه را میدانند پس اینقدر اشکال ندارد. اما اینکه گفتند کمتر نباشد یعنی بنده خیال میکنم که این دلیلش با خودش است. از يك طرف برای صرفه است. زیرا ما بایستی حق الامکان سعی کنیم اشخاصی را که میفرستیم هر قدر کمتر در اروپا بمانند برای ما نافع تر است و الا ممکن است که

ما از ابتدائی میفرستیم علاوه ما اشخاص مجرب و آزموده میفرستیم برای اینکه بروند در اروپا و زودتر به ادراك علوم موفق شوند و اینکه فرمودند اشخاص فاضلی هستند که تحصیلات منظمی نکرده اند و مسابقه آنها را محروم میکند در این کار ممکن است اینطور باشد ولی بالاخره در هر قانونی همیشه يك عده محروم هستند همیشه قانون يك جنبه ظلم ولو کم هم باشد دارد و اگر ما بخواهیم مسابقه را بر داریم نتیجه اش چه میشود؟ نتیجه این میشود که شاید آن اشخاص فاضل بهره مند بشوند اما یکعده زیادی اشخاص غیر فاضل هم در ردیف آنها داخل بشوند و بروند رئیس - آقای فیروز آبادی  
فیروز آبادی - بنده عقیده ام این است که آن اشخاص که نمیتوانند بخرج خودشان بخارج بروند بایستی آنها مقدم باشند بر کسانی که میتوانند بخرج خودشان بروند و بایستی ما این حق تقدم را قائل شویم یکی این نظر را دارم یکی دیگر اینکه وقتی که اینها مراجعت کردند بایستی دو مقابل مدتی که در خارج تحصیل کرده اند در خدمت دولت باشند معنایش این است که اگر چنانچه در خارج تحصیل کردند وقتی که مراجعت کردند میبایستی ده سال در خدمت دولت باشند بعد از اتمام این مدت آزاد باشند زیرا ممکن است برای اشخاص عالم کافی که امتحان خودشان را دادند دیگران در سدد بر آیند که آنها را استخدام کنند زیاد از آن مبلغی که ما به آنها میدهیم به این جهت بنده عقیده ندارم کسی که بخرج دولت رفته است و تحصیل کرده است وقتی که برگشت به اختیار خودش باشد بلکه اگر آقایان موافقت بفرمایند عقیده ام این است مکلف باشند بیست سال خدمت بدولت بکنند اگر توجه بفرمایند شاید بد نظریه نباشد  
مخبر - اینجا آقای فیروز آبادی در دو قسمت اظهار نگرانی کردند یکی راجع به اولاد اشخاص بی بضاعت که اینها مقدم باشند این مطلب را خود بنده هم عقیده داشتم

و در کمیسیون بودجه هم پیشنهاد کردم ولی بعد از مذاکره دیدیم عملاً تشخیص کار مشکلی است و به این جهت کمیسیون هم با پیشنهاد بنده موافقت نکردند در قسمت دیگر اینکه مقرر اینند دو برابر مدتی که تحصیل میکرده است در خدمت دولت باشند کم است و بیست سال در خدمت دولت باشند تصدیق بفرمائید که شاید ده سال هم مورد نداشته باشد بمالوه بنده تصور میکنم بعد از ده سال يك مستخدمی دارای يك مقام عالی میشود و از خدمت دولت خارج نمیشود و بنا بر این نگرانی حضرتعالی هم مورد پیدا نمیکند

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
رئیس - پیشنهادها قرائت میشود  
(بشرح ذیل قرائت شد)

- پیشنهاد آقای کازرونی  
بنده ماده دوم را بقرار ذیل پیشنهاد میکنم  
محسین اعزازی باید واجد شرایط ذیل باشد
- الف - تابعیت ایران  
ب - دادن امتحان مطابق پروگرام مسابقه که از طرف وزارت معارف تهیه خواهد شد  
ج - داشتن تصدیقنامه مدارس عالی یا متوسطه و یا فنی  
د - تقبل اینکه در مالک الی آخر

کازرونی - عرض میکنم بعضی گفتارها از قبیل اینکه ممکن است چنین باشد یا چنین نباشد اینها بکار مجلس و بکار عمل نمیخورد ممکن است بکنفر آدم بی سوان باشد ولی خیلی زکی و فهمیم باشد آیا این را میتوانی ملاک قرار بدهی؟ ممکن است بکنفر آدم باشد گمنام باشد و تصدیقنامه هم نداشته باشد نطقش هم به او کمک نکند اما تحصیلانش خیلی خوب باشد و بدر عمل ما بخورد بنده در اینجا خودم ملاک را تصدیقنامه قرار داده ام اما در لایحه تنها ملاک تصدیقنامه نیست و حق تقدم داده شده است بنده عرض میکنم باید ملاک تصدیقنامه باشد برای اینکه اگر ملاک را تصدیق

نامه قرار ندادیم در مسابقه ممکن است همطور که آقای بامداد فرمودند از کوهها یا نحت البحری از او سؤال بکنند و او حاضر نباشد جواب بدهد و بالاخره از چه شعبه از او سؤال خواهد شد؟ تصدیقنامه است که معلومات او را نشان میدهد و چندین معطلی هم ندارد و غیر از این باشد عقیده ام این است که دچار اشکال خواهند شد و بسیاری از مردم ممکن است از این حقوق محروم بمانند

معاون وزارت معارف - بنده فرق زیادی نمی بینم اینجا آقا محدود میکنند باینکه حتماً اشخاصی که بطور مسابقه می آیند باید تصدیق نامه داشته باشند این را هم در نظر بگیرید که ما آنقدرها داوطلب نخواهیم داشت که همه تصدیقنامه در دست داشته باشند ما علاوه بر این که مطابق این اعتبار شاگرد میفرستیم يك عده دیگر هم شاگردانی هستند که از وزارت فوائد عامه و پست و تلگراف و غیره به اروپا می فرستند وقتی نگاه میکنم در سال شاید مجموعاً بالغ بر دویست نفر بشوند حالا ما اگر نخواهیم فقط تصدیقنامه را ملاک قرار بدهیم شاید آنقدرها داوطلب پیدا نکنیم. با اشخاص هستند که معلومات کافی دارند ولی تصدیقنامه در دست ندارند خوب گناهی نکرده اند. با شاگردی است که تحصیلات سال پنجم را کرده و میتواند در موقع مسابقه حاضر شود و امتحان بدهد بنده خیال میکنم این طریقی که معین شده است خیلی بهتر است

کازرونی - چون زمینه برای رأی دادن به پیشنهاد بنده حاضر نیست بنده پس میگیرم.  
پیشنهاد آقای موقر  
بنده پیشنهاد میکنم خرج تحصیل علی عبدالیب زاده طهرانی که در خارجه ...  
آقا سید یعقوت - این ربطی به اینجا ندارد.  
پیشنهاد آقای عدل  
پیشنهاد میکنم در قسمت (ب) عبارت دارندگان

تصدیقنامه مدارس عالی یا متوسطه و یا فنی با تساوی سایر شرایط مسابقه حق تقدم خواهند داشت حذف شود  
عدل - عرض میشود مطالبی که بنده داشتم يك قدرتش را هم آقای کازرونی فرمودند ولی آقای معاون گویا خوب توجه فرمودند بهر حال بنده این عبارت دارندگان تصدیقنامه مدارس عالی یا متوسطه و یا فنی با تساوی سایر شرایط مسابقه حق تقدم خواهند داشت را يك عبارتی می دانم که جز خفه کردن نخبیلات و تضییع حقوق محصلین ولایات نتیجه دیگری ندارد چرا؟ برای اینکه شما غیر از تبریز و اصفهان و رشت مدرسه متوسطه ندارید. فرض بفرمائید بنده يك محصلی هستم و رانم در قم در تبریز و سیستان و با هزار جان کندن خودم را رساندم بيك جائی که میتوانم در مسابقه مدارس متوسطه حاضر شوم. ملاحظه بفرمائید من چقدر زحمت کشیده ام تا خودم را حاضر کرده ام برای امتحان و آنوقت مسابقه را هم که قرار داده اند در طهران باشد. باز خودم را با هزار مرارت بطهران حاضر کرده ام از سابقه هم با سایرین بیرون آمده ام. دلیلش چه چیز است که شما شرط میکنید که هرکس تصدیقنامه مدرسه متوسطه را دارد او مقدم باشد و قبول شود و من قبول نشوم؟ اگر چنانچه این قید نباشد بنده قبول میکنم و موافقت میکنم والا دو نفر با هم امتحان دادند و واجد شرایط امتحان هم بودند آنوقت شاگردی که از فلان ولایت آمده است تصدیقنامه ندارد او قبول نشود این فقط فایده اش خفه کردن محسین ولایات است شما اگر چنانچه قائل شوید آنها باید که تصدیقنامه دارند بدون امتحان و مسابقه قبول شوند ما قبول داریم اگر چه این هم خیلی مشکل است. و الا اگر بنا باشد آنها باید که تصدیقنامه دارند و آنها باید که تصدیقنامه ندارند بکجا مسابقه بدهند دیگر چرا حق آنها را تضییع میکنید؟ و آنها را عقب می اندازید؟ دلیل ندارد که این شرط را مخصوص میکنید به اشخاصی که در طهران تحصیل کرده اند؟ این حکم را چرا می

کنید؟ بنده رفتم ام در خارح و با هزار زحمت تحصیل کرده ام وقتی که از مسابقه بیرون آمدم باز مرا عقب میگذارید؟ این است که بنده استدعا میکنم این عبارت را حذف کنید که همه علی السویه باشند چرا تبعیض میفرمائید؟

رئیس - آقای عراقی  
عراقی - اولاً بنده استدعا میکنم از تمام آقایان چه مرکز و چه ولایات که خود بنده هم همیشه خادم آقایان نمایندگان ولایات هستم که ولایات چطور و مرکز چطور بالاخره این تفکیک را قائل نشوند همه ماها اهل يك مملکت هستیم ولایات هم مال ایران است مرکز هم مال ایران است تفکیک خوب چیزی نیست که شما میگویید ولایات را کنار گذاشته اند. بالاخره اهل يك مملکت هستیم و همه ولایات هم متعلق به مملکت ایران است اما راجع مسابقه که میفرمائید. عرض میکنم مسابقه باید شرایط داشته باشد آن کسیکه تصدیق نامه دارد و میبرد امتحان میدهد و از عهده هم بر می آید این دو تا شئی مرجح دارد هم امتحان خوب داد و هم تصدیق نامه دارد و البته آن کسی که امتحان بدهد و خوب امتحان بدهد و تصدیقنامه نداشته باشد او يك شبی مرجح داشته و البته يك جهانی داشته است که در آن موقع نحواسته اند کسی را که تصدیقنامه دارد با آن کسی که تصدیقنامه ندارد مساوی قرار بدهند و بالاخره بنده تصور میکنم دولت با اشخاصیکه تصدیق نامه دارند و خوب امتحان میدهند دوستی داشته باشد و با اشخاصیکه امتحان میدهند و تصدیقنامه ندارند دشمنی داشته باشد باید يك طوری کرد که آن اشخاصیکه واجد شرایط مسابقه نیستند تحصیلشان را تکمیل کنند و ما بایستی دست دولت را باز بگذاریم و با این پیشنهادها وقت مجلس را تضییع نکنیم و بمنابیت خدا يك قدم اساسی خیلی مهمی مثل سایر قدمهائی که مجلس ششم الحمدالله بر داشته این قدم را هم برداریم

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

( چند نفری قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد

پیشنهاد آقای باستانی

( بشرح آتی قرائت شد )

بنده پیشنهاد میکنم بجای تابعیت ایران نوشته شود ایران بودن .

مخبر - بنده با این پیشنهاد موافقت میکنم

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده دوم تبصره اضافه شود

تبصره - در صورت تساوی شرایط در امتحان

محصلین بی بضاعت حق تقدم خواهند داشت .

آقا سید یعقوب - آقای مخبر پیشنهاد آقای باستانی را

راجع به ایرانی بودن قبول کردند و بنده حالا کار ندارم

ولیکن اینکه میگویند ایرانی باشد ممکن است ایرانی الاصل

باشد ولی تابع ترکیه باشد و مدتی رفته باشد در اسلامبول

پس ایرانی بودن کفایت نمیکند . اما راجع به این مسئله

کمان میکنم آقای تقی زاده و سایر آقایان و کلا این را

ملاحظه کردند ما تمام کفالت را ملاحظه میکنیم و میگوئیم

اگر چنانچه اشخاص بی بضاعت واجد شرایط امتحان

شدند و خوب از عهده بر آمدند بر آن کسی که بضاعت

دارد و از سرمایه خودش میتواند برود به اروپا و

تحصیل کند حق تقدم داشته باشد این است نظر بنده

معاون وزارت معارف - در این موضوع بحث و

مذاکره خیلی شد هم در کمیسیون معارف و هم در

کمیسیون بودجه ولی تصور نمیکنم که این موضوع عملاً

و نظراً قابل عملی شدن باشد اولاً مبدء این فکر از

اینجا پیدا شده که در سنوات سابق که اعتبار خرج

تحصیل کم بود شاید اعمال نفوذ هائی میشد که از

طبقات متمول و شاید هم بی استعداد بکمه - بخرارجه

میرفتند و علی رغم آن عمل این نظریات پیدا شد

ولی حالا اینطور نیست سابق بر این اشخاص را اولیای امور یا رؤسای ادارات و یا متنفذین بمیل خودشان انتخاب میکردند و از اعتباری که در بودجه بود میفرستادند ولی حالا مباحثه و امتحان است که هر کس استعدادش زیاده و معلوماتش بیشتر است و زودتر به نتیجه برسد ما او را میفرستیم اعمال نظر خصوصی یا غرض شخصی یا استفاده در کار نیست و نمیتواند هم در کار باشد زیرا حالا آقایانیکه در اینجا حاضرند ناظر اعمال دولت هستند پس در اینصورت بنده تصور میکنم که آن نظر اولی که باعث این فکر بوده است منتفی شده و چنین نظری اعمال نمیشود بعلاوه عده که ما میخواهیم بفرستیم دار طلب یعنی با استعداد شاید بقدری کم داشته باشیم که محتاج بذکر تساوی شرایط نیست و شاید اصلاً مورد پیدا نکند که این نظری که آقا میفرمایند قابل اجرا باشد يك نکته دیگر این است که هر کس از هر طبقه میخواهد باشد غنی فقیر از هر مذهبی که میخواهد تصور کنید در دنیا معرفت آزاد است . همه حکم واحد را دارند و هر کس که وارد این مرحله شد بایستی بشراز وجود او استفاده کند و هیچ فرقی نمیکند همین برتلو که چندی قبل مذاکره اش در اینجا بود این شخص یکمرد غنی بود آیا بشر از وجود او استفاده نکرد ؟ یا اگر فقیر بود بشر از او استفاده نمیکرد ؟ ما همانقدر که استفاده از کفایت و معلومات و اختراعات این علماء میکنیم باید سعی کنیم که اشخاص با استعداد خودشان را بیشتر وارد این مرحله بکنند و آنها را تقویت کنیم که فایده شان بیشتر باشد . ممکن است دو نفر پیدا شوند یکی غنی و یکی فقیر آنکسی که غنی است استعدادش بیشتر از آن فقیر است حالا این که فقیر است بایستی فرستاد و استعداد آن یکی را کور کرد ؟

يك مطلب دیگر هم هست که مربوط به قسمت عمل است . همیشه باید قوانین را طوری ساده وضع کرد که عملش محتاج بيك تشریفاتی نباشد و تولید زحمت نکند این مسئله هیچ قابل تشخیص نیست . يك کسی ممکن

است هزار تومان سرمایه داشته باشد صد هزار تومان هم قرض در مقابلش داشته باشد این را شما غنی میدانید يك کسی دوپست تومان در ماد عایدی داشته باشد یا کسیکه بیست تومان عایدی دارد و يك پسر داشته باشد کدام غنی ترند ؟ ممکن است يك کسی غنی باشد ولی میل داشته باشد که اولاد با استعداد خودش را بفرنگستان بفرستد آیا این گناه کرده است ؟ بعضی اینکه گفته میشود فلانی يك دوله پشت سرش است میگویند غنی است یا يك کسی که مشهدی و بيك پشت سرش است میگویند فقیر است در صورتیکه این طور نیست . بعلاوه این در عمل دچار اشکال میشود و هر روز ادارات طرف نهمت و افتراهای واقع میشوند این است که استدعا میکنم این نظر و مبارزه را در این قسمت علم که در دنیا و در نظر مردم عالم محترمی است اعمال نکنید و در اینجا مطرح نفرمائید

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

( عده قابل قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای ملک مدنی

( بمضمون ذیل خوانده شد )

تبصره ذیل را پیشنهاد میدنم

در مرکز ایالات که مدرسه متوسطه تأسیس شده است باید وسائل مسابقه محصلین در همان نقطه فراهم شود

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - همانطور که آقای معاون تذکر دادند محصلینی که به اروپا میخواهند اعزام کنند بنده تصور میکنم در مرکز آن اندازه نباشد و احتیاج پیدا بکنند که از مراکز ایالات و ولایات که در آنجا مدارس متوسطه هست تهیه کنند و در صورتی که این قید نشود تصور میکنم نظرشان این باشد که محصلین مدارس متوسطه ایالات مرکز بیایند و در اینجا وسائل مسابقشان را فراهم نمایند ولی این عملی نیست برای اینکه کسی که از فارس میخواهد بیاید طهران هزار گونه اشکال برایش دارد یعنی موجبات مسافرت برای او فراهم نیست و هزار چیز

دیگر که قطعاً نمیشود و این يك قضیه است که غیر عملی است و بالاخره محتاج میشوند باینکه بکمه شاگرد فقط از طهران بفرستند و البته در يك چنین لایحه که بمجلس تقدیم شده است و سالی صد نفر شاگرد باروبا فرستاده میشود باید تمام مملکت از اینقسمت استفاده کنند این است که بنده این تبصره را پیشنهاد کردم که دولت مکلف باشد در مرا کزی که مدارس متوسطه هست وسائل کار را در اینجا فراهم کنند

معاون وزارت معارف - در ماده اول یکی از آقایان

پیشنهاد دادند بنده هم موافقت کردم

رئیس - در ماده اول عبارت ( اعم از مرکز و

ولایات ) قید شده است

جمعی از نمایندگان - صحیح است

ملک مدنی - این نظر را ناهین نمیکند .

تقی زاده - هیچ ربطی بان مطلب ندارد

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - عرض کنم این مذاکرانی که

در مجلس میشود اغلب اینها در کمیسیون بودجه هم

مذاکره میشود . آقایان باید فکر فرمایند از این پیشنهادهایی

که میدهند . مثلاً اگر موقعی پیدا شد که بکنفر از

فارس اتفاقاً آمد برای گردش طهران اگر خواست امتحان

بدهد آیا نباید او را در طهران امتحان بکنند ؟ زیرا

بموجب این پیشنهاد او را دو باره باید برایش يك

مرکوبی بگیرند و بفرستند مرکز خودش که در اینجا

امتحان بشود . در ولایات اسباب امتحان فراهم نیست

اگر يك راهی بگذاریم که دولت در ولایات هم بتواند

امتحان کند مطلبی است ولی وقتی مکلف میکنند که

دولت در ولایات باید وسائل امتحان را فراهم کنند این

يك خرجی هم دارد و ممکن است بفرمایند این پیشنهاد

خرج است ولی ضمناً دولت ممکن است يك خرجی

معین بکند برای اینکه در ولایات امتحان بکنند .

این يك راهی است از برای اینکه اگر دولت بخواهد

بتواند در ولایات و ایالات این کار را بکند اما این که

حکماً مکلف است این اسباب زحمت خواهد شد  
رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند  
قیام فرمایند

(عده قلیلی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید  
بعقوب .

( بنحو ذیل خوانده شد )

در ماده ۲ بعد از کلمه مدارس متوسطه باشد اضافه  
شود در مرکز  
رئیس - بفرمائید

آقا سید بعقوب - بنده میدانم که در این لایحه  
هرچه عرض کنم فایده ندارد در صورتیکه بنده يك  
نظری دارم که روحاً شاید غالب آقایان با آن موافق  
باشند زیرا نظر اصلاحی دارم يك مطلبی هم آقای عراقی  
فرمودند ولی خوبست درست باین عرض که میکنم توجه  
بفرمائید این جا نه برای فقیر است آقای شیروالی در  
ماده اول دیروز يك عبارتی زیاد کرد و آن ( اعم از مرکز  
بود ) که خود آقای معاون و آقای مخبر کمیسیون هم  
قبول کردند بنده میخواهم به بینم این کلمه را که قبول  
کردند می خواهند این عملی بشود یا خیر ؟  
نه این که در واقع يك عبارتی باشد که ماها  
که نماینده ولایات هستیم بگوئیم يك کاری کردیم  
لیکن يك جورى واقع شد که در مقام عمل درست نشد  
این برای ما ننگ است ما میگوئیم نظرمان باهالی ولایات  
و مرکز همه یکی است و در اینجا گفتیم آنها هم از این  
نعمت دولت استفاده کنند ولیکن يك جورى گفتیم  
که خودمان هم ملتفت نشدیم. بنده میخواهم این کلمه را  
که آقای معاون قبول کردند عملی شود عملیش این است  
دولت در نظر دارد که در ولایات هم اگر اشخاصیکه  
واجد این شرایط بودند پیدا شدند قبول کند این نظر  
را دارند نه اینکه نظر ما فقط بر مرکز است همه اولاد  
يك مملکت هستیم و فرقی نداریم همه را ما در نظر داریم

چاپ شد و اغلب آقایان نمایندگان که هم میرسیدند  
اظهار میفرمودند که چه وقتی بیاید که این لایحه را با  
کمال احترام بگذرانیم ...

آقا سید بعقوب - نفهمیده ؟

رفیع - نفهمیده خیر. بنده عقیده ام این است که  
این لایحه اگر نحت بکامده هم می آمد که صد نفر شاگرد  
باید از ایران تا مبلغ معینی برود بخارجه چون همه  
آقایان علاقه مند هستند منتهی با يك نظامنامه که وزارت  
معارف مینوشت بایستی تمام آقایان رأی بدهند برای این  
که اصل موضوع موضوعی است که تمام آقایان با آن  
موافق و همراهند. از یکطرف اظهار موافقت و همراهی  
می کنیم که باید هر چه زودتر این لایحه بگذرد ولی  
از طرف دیگر بطوری اسباب تأخیر این کار را فراهم  
میکنیم که بنده با آقایان عرض می کنم که این لایحه در  
این دوره نخواهد گذشت برای اینکه الان ملاحظه  
بفرمائید بواسطه این پیشنهاد ها وقت يك جلسه را در  
ماده اول تلف کردیم تا آخر جلسه هم چند نفر  
تشریف نمی آورند آنوقت اظهار خواهند کرد عده برای  
رأی کافی نیست مینماید برای جلسه دیگر آقایان میفرمایند  
ولایات با مرکز را يك ترتیب کنند آقا بنده يك مثل  
رابطان میزنم: اگر ما شیردوانی داشته باشیم ( حالا  
اسب مثال میزنم ) و بنا بشود که ما شیر بدوانیم در يك  
محل با میدانی و چند شیر بخوانند با هم بدون اینها  
باید در يك محل باشند و نمیشود چند شیر را در  
مازندران بدوانیم چندنا در جای دیگر اینها باید در يك  
محل باشند تا معلوم شود کدام يك از اینها بهتر است  
امتحان هم باید در يك محل معینی باشد  
و در يك محلی آقایان بنشینند و به بینند  
کدام يك از شاگردان بهتر از همه امتحان میدهد و الا  
یکی در شیراز آمد و قبول شد یکی در اصفهان یا در  
رشت قبول شد دو نفر در جای دیگر آمدند و قبول شدند  
بگر ما میخواهیم چند نفر شاگرد فرستیم ؟ آنوقت این

دویست نفر اطفال را ما چکار کنیم و چطور شما نیز  
میدهدید و ترجیح میدهدید يك عده را بر عده دیگری ؟  
دویست نفر را هم که یوز نداریم بفرستیم . چرا اشکال  
نرانی میکنید ؟ برادر من ! عزیز من ! شما که می بینید  
دولت می خواهد محصل بفرستد تمام نقاط ایران را  
هم بيك نظر نگاه می کند این پیشنهاد ها جز اسباب  
معطلی هیچ فایده ندارد مساعدت بفرمائید موافقت فرمائید  
که زودتر این لایحه بگذرد البته دولت هم در نظر دارد که  
اسباب مسابقه را در ولایات هم تا اندازه که مقدر باشد  
فراهم و عمل کند والا این پیشنهادات جز اینکه اسباب تأخیر  
کار در مجلس شورای ملی بشود هیچ نتیجه دیگری  
ندارد .

آقا سید بعقوب - کسی نیست برای رأی استر داد  
می کنم  
رئیس - پیشنهاد آقای تقی زاده  
(مضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده دوم الحاق شود:  
تبصره - مسابقه در نقاطی از مملکت که مدرسه  
متوسطه وجود دارد بعمل آید و وزارت معارف هیئت  
ممتحنه برای این کار معین یا روانه خواهد کرد در صدی  
شصت از محصلین اعزامی باید ولایات و نقاط مزبور  
نخبص شود مگر آنکه عده کافی برای این تناسب در  
آن نقاط پیدا نشود که در آن صورت دولت مجاز است بقیه  
را باز از طهران بتزیت مسابقه انتخاب کرده و بفرستد  
رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده توضیحاتی که لازم بود برای این  
پیشنهاد مشروحاً توضیح داده ام ولی برای رفع يك شبهه  
باید خیلی صریح عرض کنم و از آقایان تمنا کنم  
توجه کنند. هی می بینیم بعد از آنکه يك پیشنهادی  
خوانده میشود مثل مسئله غنی و فقیر و بی بضاعت و  
اینها آنوقت نخوانده میگویند چرا آن کسی که خیلی  
با استعداد است و غنی است زود و آن کسیکه فقیر است



و بی اعتماد است برود ؟ در صورتیکه این طور نیست و پیشنهاد کننده صریحاً نوشته بود در صورت تساوی شرایط که آن کسی که غنی است پدرش بفرستد و آن کسیکه فقیر است دولت بفرستد که دو نفر داشته باشیم عوض یک نفر . ولی باز هم آقایان سه دفعه چهار دفعه همان حرف را تکرار میکنند . حالا باز عرض میکنم ما نمیگوئیم همه را از ولایات بفرستند صدی شصت را از آنجا بفرستند و اگر در ولایات پیدا نشد همه را از طهران بفرستند . اگر در تمام ولایات یک نفر پیدا شد همان یک نفر را از ولایات بفرستند و بود و نه نفر را از مرکز بفرستند . دیگر اینکه آن اصلاحی که میفرمایند در ماده اول شده هیچوجه من الوجوه غیر از يك عبارت خالی بمقصود کافی نمی آید . ما فارسی می فهمیم اعم از مرکز و ولایات یعنی چه از مرکز و چه از ولایات . اعم است . یعنی دولت میخواهد از مرکز بفرستد میخواهد از ولایات . در صورتیکه مقصود این نیست ما میخواهیم دلایل را خوش کنیم که وکلای ولایات و مجلس شورای ملی مطمئن شود که دولت يك حصه از اینها در صورت امکان بولایات تخصیص میدهد در صورتیکه در ولایات محصلین کافی نباشد از مرکز بفرستد . و خواهشمندم که شیرهای ولایات را با شیرهای طهران ندوانند برای این که اگر يك شیری را فرضاً بخواهند از طهران انتخاب کنند که اسدالله باشد آنوقت معلوم است که در تمام دنیا یکی است . اما مقصود این است که آن دو سه تا شیری که از تبریز است یا در فارس است و يك قدری لنگ است ولی در محل خودشان اول شیر هستند آنها را هم بفرستند اما آن روز هم بنده عرض کردم اگر این طور است ما در پاریس ده بیست نفر شاگرد ایرانی داریم که در مدرسه متوسطه پاریس تحصیل میکنند پس ما از مدارس متوسطه طهران دار طلب ها را بفرستیم آنجا و با آنها قوتی کنیم که در جلو منتخبین مدارس

متوسطه فرنگستان امتحان دهند در اینصورت همه اش میرسد بانهایی که در مدارس متوسطه پاریس تحصیل میکنند و البته باید توجه داشته باشیم که این اعتباری را که بدولت میدهیم ممکن است این کار را در ولایات بکنند و يك خرج جزئی را خود دولت متحمل بشود ولی اگر نخواهید این خرج را دولت بکند آنوقت آن اطفال بدبختیکه از کرمان به امید موهومی می آیند بطهران اگر آنوقت شاگرد طهرانی از پیش برد دوباره باید برگردد به آنجا و يك مخارج کزانی برای آمدن و رفتن باید بکند . در اینصورت مالین خرج را چرا بگردن افراد بیندازیم ممکن است خود دولت با يك خرج مختصری یکی دو نفر اشخاص با فهم را معین کند و بفرستد بولایات محصلین را امتحان کنند و این ترتیب خیلی بهتر است لذا باز تکرار میکنم پیشنهاد بنده این است که اگر ممکن شد عده را از ولایات بفرستند و بقیه از طهران فرستاده شود و اگر هم هیچ در ولایات پیدا نشد همه را از طهران بفرستند

رئیس - آقای رفیع

رفیع - این پیشنهاد اگر از غیر آقای تقی زاده شده بود من تعجب نمی کردم ولی حقیقه متعجبم با آن عشق مفرطی که ایشان داشتند و در کبسیون بودجه هم اغلب تعقیب میکردند برای گذشتن این کار دیگر چرا این پیشنهادات را میکنند ؟ آنچه ممکن بود دولت قبول کند همه را در کبسیون بودجه ایشان اظهار کردند و موافقت شد و آنچه ممکن نبود در آنجا جواب داده شد که این را ما نمیتوانیم قبول کنیم ولی این جا يك طوری مذاکره میشود مثل اینکه حکماً دولت خیال دارد که از ابالات و ولایات بفرستد در صورتیکه امروز حکومت آن حکومت نیست همان آذربایجان که فرمودند بنده خودم رفتم دیدم ابداً طرف مقایسه با چندین سال پیش نیست . همان دولتی که امروز آن خیابانها را در آذربایجان ایجاد کرده

همان دولت و حکومتی که آن وضعیت را به آذربایجان داده . همان حکومتی که آن متر بپزه های براق را در آن سرحدات بکار انداخته بالاخره همان حکومت فکر میکند برای معارف آنجا چه باید بکند . امروز آقایان روز کنفرانس و نطق و روز نامه که فقط بحرف بگذرد نیست . امروز روز نامهها منتشرند باین که عمل را مینویسند عمل وقایع را مینویسند دولت آنچه میتواند بکند امر داد . ماها اگر موافقیم راست میگوئیم و میخواهیم شاگرد اعزام شود باروبا در آنجا تحصیل کنند باید همینطور رأی بدهیم بدولت خیلی دل سوز از ما است . دولت نتیجه فکر خود ما است . این را بنده چندین مرتبه در مجلس عرض کرده ام که دولت يك چند نفری هستند که نتیجه فکر ما وکلاء و اکثریت مجلس شورای ملی است يك چند نفری است که اسمش دولت است این کسیکه دولت است دل سوز است برای مردم اعم از مرکز و ولایات و آن زبانی را که لازم است برای آسایش مردم ایجاد می کند .

رئیس - رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه موافقتند قیام فرمایند

( عده قلیلی قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد دیگر آقای تقی زاده

( بشرح ذیل خوانده شد )

بنده ذیل را بشکل تبصره ۲ ماده دوم الحاق شود : تبصره - اشخاص بی بضاعت با تساوی شرایط دیگر حقوقی حق تقدم خواهند داشت . تعیین میزان عدم بضاعت بنده بنظر وزارت معارف است که از روی مدارکی که در نظامنامه وزارت معارف معین خواهد شد احراز خواهد شد .

رئیس - آقای تقی زاده  
تقی زاده - بنده برای اینکه زودتر بگذرد لایحه

رئیس - پیشنهاد آقای باستانی (مضمون آنی خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم  
تبصره - محصلین اعزامی برای تحصیل معالی و علم حقوق باید مخصوصاً دارای تصدیقنامه شعبه اولی مدارس متوسطه باشند .

رئیس - آقای باستانی

باستانی - بنده در عین حالی که با این لایحه موافق هستم ولی از نقطه نظر اینکه همیشه پرگرام بنظر وزارت معارف است این پیشنهاد را کردم که در پروگرامی که تهیه میشود بیشتر توجه باین قسمت بشود . تصدیق می فرمائید که زبان در تعلیم و تربیت مخصوصاً در علوم فلسفی و اجتماعی فوق العاده مدخلیت دارد . زبان فارسی اصطلاحات علمی ندارد اصطلاحات علمی متداولی در این مملکت بیشتر عربی است . ما هنوز نتوانسته ایم بجای مقوم علیه يك لغت فارسی پیدا کنیم . محصلین ما که میروند بخارجه و برمیگردند قسمت های ادبیشان ناقص است . یعنی تحصیلانی که مربوط به ادبیات فارسی و عربی است تکمیل نمیکند و باصطلاح يك عده از فضایی مملکت بی سوادند و حقاً هم بی سوادند چرا برای اینکه در این مملکت اینطور شده که اگر يك عبارت عربی خوانده شود عامه مردم آن را میفهمند مثلاً اگر بگویند معالی همه محرم فهمند اما اگر بگویند ( پدا کثی ) این را نمی فهمند ولزومی هم ندارد ولی اگر شما بگویند خیر الامور واسطها این عبارت عربی است ولی همه آن را می فهمند در صورتیکه تحصیلات عربی هم نکرده اند . لذا بنده عقیده ام این است که برای فن معالی که برای تفهیم و تفهم است از نقطه نظر متعلمین ایران بزبان عربی اهمیتی داده شود لذا بنده این پیشنهاد را کردم که محصلینی که ما میفرستیم بخارجه که بروند تحصیلات مربوطه بمعالی با علم حقوق بکنند باید ادبیات فارسی و عربیشان کامل باشد و تصدیق نامه شعبه ادبی متوسطه را داشته باشند . شما در عدلیه بروید

بینید این دبیریه های مدرسه حقوق امروزه خودمان چه در خارج تحصیل کرده اند و چه در داخل آنطور که بابت از عهده قضاوت بر آیند بر نمی آیند. چرا برای اینکه حقوق مدنی ما اصطلاحات خاصی دارد همین قانون مدنی را بابتی اصطلاحاتش را خوب بدانند و بلد باشند چرا برای اینکه عرض کردم اصطلاح علمی ما زبان عربی است. زبان عربی طوری ادغام شده است در زبان فارسی که بالاخره يك ورب ها و فعل هائی برای فارسی باقیمانده و يك روابطی و الا بقیه عربی است اغلب مشافهات و محاورات صد هشتاد صد هفتاد عربی است. بنده خیال میکنم باید وزارت معارف مكلف باشد که در پروگرام خودش این دو قسمت را منظور نماید. حالا راجع مهندسی و سایر شعبات فنی شاید اینقدرها ادبیات مدخلیت نداشته باشد ولی در قسمت تحصیل علم حقوق و معامی بالخصوص باید محصلین تحصیلات عربیشان کافی باشد و الا وقتی بر گشتند باین مملکت هر چه هم باسواد باشند در عرف این مملکت بیسوادند دیگر بسته است بنظر آقایان معاون وزارت معارف - تا سی چهل سال قبل و شاید تا بیست سال قبل در اروپا معمول بود که ارتباط مستقیمی بین علوم آزاد و شعبه متوسطه ادبی میدادند و همچنین يك ارتباط خیلی نزدیکی هم قائل میشدند بین علوم صحبه و شعب علمی تا بیست سال قبل این عادت بوده از بیست سال قبل باین طرف که در همین علوم آزاد تحقیقات زیادتر شده و مبنای استدلال و منطق در این علوم تغییر کرده این عقیده هم تغییر کرده يك وقتی خیال میکردند که تاریخ فوق العاده مهم است در حقوق ولی حالا این طور نیست حالا می بینند که علوم طبیعی و فیزیک و شیمی و همین طور علوم ریاضی هم تأثیر و دخالت مستقیم در تحقیقات علوم اجتماعی و همینطور فلسفی دارد و الان يك شاگردی که قسمت علمی متوسطه را دیده باشد و برود بمدرسه حقوق خیلی زیادتر از يك شاگردی است که قسمت ادبی

که يك امعان نظری هم از این حیث بشود و فعلاً بنده این پیشنهاد را استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب (باین ترتیب خوانده شد)

بصرفه دوم اضافه شود.

بصرفه - محصلین اعزازی از کلیه مملکت اعم از مرکز و ایالات که دارای مدرسه متوسطه هست باید بشود و امتحان محصلین ایالات در همان محل بعمل خواهد آمد.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده میدانم چون پیشنهادی که کرده ام قبول نمی شود استدعا میکنم و امیدوارم آقای معاون این نظریات را در نظامنامه ملاحظه کنند و بنده پیشنهاد را استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی

(بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بند (ب) از ماده دو بطریق ذیل نوشته شود

ب - دادن امتحان مطابق پروگرام مسابقه که از طرف وزارت معارف با موافقت شورای عالی معارف تهیه خواهد شد

رئیس - آقای فهیمی

فهیمی - پیشنهاد بنده مطابق قانون شورای عالی معارف است که در آنجا مخصوصاً قید شده که شرایط و پروگرام محصلین با ایاق که بخارجه اعزام می شوند و مواد راجع به تحصیل آنها در شورای عالی معارف معین می شود و این ماده هم هنوز لغو نشده بنا بر این مواد آن نظامنامه که برای مسابقه تهیه میکنند البته باید با موافقت شورای عالی معارف باشد.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بنده خیلی متأسفم که يك قانونی باین

خوبی این قدر دارد طول میکشد اگر هر آینه در قانون شورای عالی معارف يك همچو چیزی هست یا نیست که نمیشود تمام مواد قانون شورای عالی معارف را اینجا آورد قانون شورای عالی معارف دست وزارت معارف است و البته هر قانونی که لغو نشده آن وزارتخانه در اجرای آن قانون این ملاحظه را دارد که با هم تضادی پیدا نکند شما اینرا بگذارید دست خود وزارت معارف باشد و اصرار نفرمائید و بگذارید این لایحه زودتر بگذرد و این قدم خوب برداشته شود.

فهیمی - اجازه میفرمائید؟ مقصود بنده تذکر بود حالا برای اینکه آقای عراقی زیاد عصبانی نشوند مسترد می دارم.

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد

(باین شرح خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در قسمت (ب) بجای لفظ کمتر نوشته شود (در حدود پروگرام مدرسه متوسطه باشد) رئیس - آقای بامداد

بامداد - عرض کنم يك قسمت توضیحات را بنده عرض کردم باید در قانون نگاه کرد بمرحله عمل و اجراء این لفظ کمتر نباشد یعنی ممکن است بیشتر باشد همین لفظ مبهم محدود میکند دائره داوطلب های مسابقه زیرا باینکه احصائیه خودشان صد و چند نفر شما فارغ التحصیل شش کلاس متوسطه دارید امسال صد و چهل نفر شاگرد باعده که از وزارت خاله ها می فرستند باید بخارجه بفرستید. سال دیگر انشاء الله دو بیست و چهل نفر باید بفرستید و هکذا سالهای بعد که بخارجه بشود هزار تومان میرسد بهمین نسبت که بخارج زیاد میشود عده شاگرد هم زیادتر میشود در اینصورت دائره مسابقه را نباید وسیع قرار داد و آنکه اگر شما میخواهید شاگردان این مدارس يك دلگرمی داشته باشند چرا شرایط را زیادتر تحصیل میکنید. این است که بنده پیشنهاد کردم شرایط مسابقه از طرف وزارت معارف در حدود پروگرام متوسطه باشد. میفرمائید برای صرفه جوئی

است اگر برای صرفه جوئی است اصلاحات را نرسند این صرفه جوئی بیشتر است. با بنویسید مطابق پروگرام مدارس عالییه آنوقت ما قبول میکنیم والا کمتر نباشد یعنی ممکن است مطابق پروگرام مدارس عالییه امتحان بدهند و مدارس عالییه عده اش محدود است و ما آنقدر ها شاگرد نداریم. بنا بر این این قسمت را که در حدود پروگرام مدارس متوسطه باشد قبول بفرمائید

معاون وزارت معارف - بنده درست نفهمیدم مقصود آقای نامداد چیست برای اینکه بالاخره بین الفاظ باید يك مناسباتی باشد وقتی گفتیم (مسابقه) دیگر فرق نمیکند چه بگذاریم در حدود معلومات متوسطه چه بگذاریم کمتر نباشد فرض میکنیم ما قرار دادیم مدرسه ابتدائی از این باین تر که نمیشود ولی وقتی که مسابقه شد و شاگرد مدرسه حقوق هم شرکت کرد او در مسابقه پیش میبرد. معنی مسابقه این است. چه فرق میکند؟ چه بنویسید در حدود معلومات متوسطه چه بنویسید کمتر. بعلاوه فرض کنید پنجسال بعد شاگرد های مدرسه عالی ما زیاد شدند و توانستیم دویست نفر سیصد نفر شاگرد از مدارس عالییه بفرستیم آنوقت آیا باید باز مبنای مسابقه مان را پرگرام متوسطه بگیریم؟ نه آنوقت بالاخره ما میگیریم و میگوئیم پروگرام سال دوم تا سوم مدارس عالییه باشد برای اینکه بتوانیم زودتر شاگرد را از خارجه بر گردانیم و زود تر نتیجه بگیریم پس بنده خیال میکنم خود ماده مقصود را میرساند. نامداد - چون عده برای رأی کافی نیست بنده مسترد میدارم.

رئیس - پیشنهاد آقای دشتی

(بشرح ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم:

وزارت معارف - میتواند نامه نفر از شاگردانی که در خارجه مشغول تحصیل هستند بدون مسابقه و فقط با دیدن دیپلم متوسطه آنها یا تصدیق مدرسه فنی که در آن مشغول هستند اکتفا نماید ولی مشروط بر این

بیش بدهد هر شعبه را که دولت بخواهد برود تحصیل کنند برای اینکه بی بضاعت است و قدر پول را میداند و حقیقه با بیست تومان سی تومان میتواند برود تحصیل کند باز یکی از جوانهای فاضل دیگر ما بود در پاریس که او حالا مشغول مترجمی است و کارهای دیگر میکند و استعدادش بقدری خوب است که شاید بتواند در ظرف دو سال تحصیلی را که در ظرف شش سال دیگران میکنند بنماید و بحقوقی کم هم اکتفا میکند بنده پیشنهاد کردم ده نفر از این جور شاگرد هائی که نمایندکان ما استیصال و پریشانی آنها را اذعان کرده باشند مثلاً راجع باین شاگردی که عرض کردم چندین مرتبه غلامی هم بوزارت معارف تلگراف کرده است و تصدیق کرده است که دولت باید باو يك کیکی بکند چه ضرر دارد که این شاگرد عیالاً جزو این دسته شود و راهش هم آسان است تصدیق آن مدرسه را بفرستد که در کلاس اول و دوم فلائجها دارد کار میکنند این بعقیده بنده صلاحیتش بیشتر است از اغلب کسانی که در طهران امتحان میدهند و میخواهند آنها را بفرستند

رئیس - آقای عراقی

عراقی - بعضی پیشنهاد ها را آقای دشتی در ضمن اشاره فرمودند که خیلی برای مجلس عیب است رد شدن آقایان نمایندکان میدانند که بعضی پیشنهادات يك زبونی است که تطبیق بر مصادیقش خیلی سخت است سرکار پیشنهاد میکنید اشخاصی که در آنجا هستند و فقیرند ده نفر از این ها را جزو اینها حساب کنند و خرجش کم است گمان میکنم این را تصدیق بفرمائید که غالب اینطور چیز ها را ما بدیم که اغنیاء نگذاشتند بفقرا برسند. الان هم خیلی شاگردان در خارجه هستند که اشخاصی که در اینجا ولی آنها هستند با کمال پاکیزگی حاضرند همینقدر که به نینند اینطور شد فوراً فشار بیاورند بوزارت معارف و بچه های خودشان را ولو با استشهاد که سنجاق کنند و بگیرند فقیر و بیچاره اند و هر صفتی را که شما برای

فقیر ذکر کنید آنها همانوقت ایجاد میکنند. پس بنده نمیکوم هر طور که دولت پیشنهاد کرده نقطه بنقطه رأی بدهیم اولاً همه شما آقایان اکثریت مجلس هستند دوات هم لوایحش را با شما بیرون از مجلس مشورت کرده و بعد از مشورت شما آورده بمجلس اینجا هم که میآید صحبتها مان را میکنید ولی بعضی را که ملاحظه میفرمائید بنده که جزو اکثریت هستم با آقای رفیع یا سایر آقایان قبول نمیکنیم برای اینست که در عمل دچار محظورات می شود. البته آن قصدی را که شما دارید چیز خوبی است ولی در عمل خدا میداند برعکس میشود و شما خودتان تأسف میخورید از اینکه کاش این پیشنهاد را نکرده بودیم این است که بنده از حضرت عالی خواهش میکنم صرف نظر بفرمائید چون همان عیبی که عرض کردم پیدا میشود بعد خود مان بدوات تذکر بدهید که يك پیشنهادی برای این اشخاص بیاورد و ما همه رأی میدهیم. ملاحظه فرمودید برای پسر آقا شیخ محمد حسین که آقای تقی زاده پیشنهاد کردند همه ما همراهی کردیم چون پریشان بود و تحصیل میکرد ولی اشخاص دیگر را ما گرفتار میشویم برای اینکه تجربه ما اینطور نشان داده لذا استدعا میکنم صرف نظر بفرمائید.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمائید

(عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی (این شکل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که همان لفظ تابعیت که در لایحه دولت و خبر کمیسیون میباشد در ماده باشد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده توضیح مختصری دارم. لفظ تابعیت که در لایحه کمیسیون بود بعقیده بنده بهتر بود زیرا ممکن است اگر لفظ ایرانی باشد چه بسا ایرانیهای که در خارجه هستند و ممکن است مشمول بشوند بنا

بر این بنده این پیشنهاد را کردم  
اعتبار مخبر کمیسیون بودجه - این ابراد را خود  
بنده در نظر داشتم اصلاح کنم که هر دو قسمت باشد  
هم ایرانی بودن هم تابعیت حالا که آقای فیروز آبادی  
پیشنهاد کردند بنده قبول میکنم  
رئیس - پیشنهاد آقای باستانی  
(مضمون ذیل قرائت شد)

تبصره ذیل را ماده ۲ اضافه و پیشنهاد میکنم  
اعلان مسابقه محصلین دو ماه قبل از موقع آن در  
تمام مملکت منتشر میشود  
رئیس - آقای باستانی

باستانی - این تبصره را بنده برای این پیشنهاد کردم که غالب  
آقایان نمایندگان ولایات معتقدند محصلین ولایات هم اعزام شوند  
و تصدیق میفرمایید که اگر مدت اعلان کم باشد تا  
محصلین آذربایجان یا کرمانی خبر بشوند مدت منقضی شده  
و مسابقه هم بعمل آمده بنده این پیشنهاد را کردم که  
در تمام مملکت دو ماه قبل اعلان شود که اگر کسی  
داوطلب باشد مستحضر شود.

معاون - بنده موافقت میکنم  
رئیس - رأی گرفته میشود ماده دوم بضمیمه دو  
فقره اصلاح که از طرف آقای باستانی شد و آقای مخبر  
قبول کردند آقایانیکه با ماده دوم باین ترتیب موافقت  
قیام فرمایند  
(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.  
بعضی از نمایندگان - تنفس  
(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیم  
ساعت مجدداً تشکیل گردید)  
رئیس - ماده سوم قرائت میشود  
(شرح آنی قرائت شد)

ماده سوم - دولت مکلف است کلیه کسانی را که  
بر طبق این قانون فارغ التحصیل میشوند در شعبی که  
مربوط بتحصیلات آنها است مصدر خدمت نماید و چنانچه

از تاریخ مراجعت بایران تا مدت شش ماه خدمتی به  
آنها رجوع نکرده میتواند برای خود شغل دیگری  
تدارک نمایندولی هرگاه بعداً تا مدت چهار سال استخدام  
آنها مورد احتیاج دولت واقع شد بانها اخطار میشود  
و پس از سه ماه از تاریخ اخطار باید حاضر خدمت  
شوند در اینصورت اگر بلافاصله خدمتی ارجاع نکرده  
دولت مکلف است مادام که خدمتی رجوع نکرده حقوق  
رتبه آنها را پرداخت نماید

تبصره - مواد ۶۷ و ۷۳ قانون استخدام کشوری  
شامل حال محصلین مذکور نخواهد بود و دولت میتواند محصلین  
مزبور و همچنین کلیه کسانی را که از مدارس عالی  
فارغ التحصیل شده و باخذ دیپلم (از درجه لیسانس به  
بالا) نائل آمده اند بدون طی خدمت ابتدائی بارتبه ۳  
اداری بخدمت بپذیرد و تا رتبه ۶ اداری آنها را پس از  
توقف دو سال در یک رتبه برتبه بالا ارتقاء دهد  
رئیس - آقای بامداد

بامداد - مفاد این ماده خصوصاً تبصره این است  
که دولت میگوید غایت و نتیجه تحصیلات استخدام دولت  
است. از اول تا آخر این وعده را میدهد تحصیل در  
سابق یک نقطه نظر و یک نتیجه پیش مردم دانش ولی  
در دنیا امروز چنانکه در جلسه قبل عرض کردم یک  
موضوع دیگر دارد پیش درس میخواهند برای اینکه  
حقیقه چیز بفهمند زحمت میکشیدند و قوای خود را  
صرف میکردند چشم خود را روپوش میگذاشتند امروز  
در دنیا تحصیل و تربیت معنائش این است که یک نفر  
مسلح و آراسته شود برای زدندگانی علماء و عملا این ماده  
میگوید تحصیل برای این است که تو وقتی این تصدیق را  
در دست گرفتی من تو را میگیرم بخدمت خود ما چه  
میل داریم؟ چه آرزویی داریم؟ معارفمان باید در چه  
قالبی ریخته شود و پایه اش روی چه ترتیب استوار شود  
روی اینکه کسی که میبرد در مدرسه از اول شروع کند  
با راسته کردن او برای زدگی بهتر چیزیکه ممکن است و ادارا کند  
یک نفر جوان یک نفر طفل یک محصل را که واقعا از اول

برای سعی و عمل آماده شود این است که تمام امیدهای  
انگلی او را قطع کنند. اینکه زرکان از کوخ فقرا  
بیرون آمده اند برای اینکه تکیه هیچ چیز نداشته اند  
فقط تکیه به سعی و عمل خود داشته. میدانستند که نه  
باصطلاح باغ بالا دارد و نه آسیاب پائین و میگوید  
خودم قائم به خودم هستم این است که غالب فضلاء  
عقلا از کوخ فقرا در آمده اند برای اینکه تکیه بجائی  
نداشته اند و بالعکس که در طبقه آقا زاده ها پیدا  
میشود که واقعا در رأس تاریخ واقع شده باشند با از نوابغ  
باشند. هستند ولی کم. ما اینجا باید بگوئیم که ملت  
و بودجه ایران و مجلس شورای ملی او و مقامات عالی  
او بشاها تفضل کرده تحصیل ابتدائی را بجانی قرارداد  
مدرسه متوسطه هم مفتوح کرده و حالا هم بشما میگوید  
تشریف بیاورید بخرج مملکت و بودجه مملکت بروید  
تحصیلاتتان را تکمیل کنید و تحصیلات عالی و بعد  
بباید برای خودتان و برای مملکت فایده داشته باشید  
و عالیه تشکیل دهید. اینجا اول دولت را مکلف میکند  
میگوید دولت مکلف است این اشخاص را با استخدام  
خودش قبول کند این شخص در ابتدائی که بجانی  
تحصیل کرده تا متوسطه هم که بخرج پدرش بوده حالا  
هم که بخرج دولت میبرد بعد هم که تکیه باین قانون  
دارد در اینصورت البته هیچ فکر نمیکند که یک روزی  
روز در ماندگی من باشد و من برای آن روز درماندگیم  
نخودم را باید آماده و مسلح کنم. ماده میگوید دولت  
مکلف است او را بخدمت بگمارد و دو ماده قانون استخدام  
کشوری هم در ماده او نقض شده. از اول برتبه سه  
قبولش میکنند بعد هم او را باید دو سال بدو سال  
بالا ببرند در صورتیکه مستخدمین دیگر شش سال به شش  
سال بر حسب مقتضیات اداری ترقی میکنند. این قانون  
از اول تا آخر طبیعت انگلی را پرورش میدهد. میگوید  
تو خاطر جمع باش همان تصدیقنامه را بگیر دیگر هیچ  
کارش نباشد. برتبه سه می پذیرد و خرجت را هم که  
حاله ام بعد هم که بالا برزی در عرض چند سال رتبه

را میگیری. سال دیگر اگر بمانی قطب دین حیدر شری  
بنده اگر کله مکلف است به (میتواند) تبدیل شود  
قبول میکنم یعنی دولت میتواند بگوید من یک احتیاجاتی دارم  
مخصوصاً در قسمت معلمی یا مهندسی و شاید اگر این قید نشود  
این آدم حاضر نشود این را البته باید بگوئیم که (دولت می  
تواند) که حق دولت هم محفوظ بماند که اینقدر پول داده  
اگر خواست از او استفاده کند نگوید حاضر نیستم. موجب  
کدام قانون؟ شما فقط بمن گفتید برو تحصیل کن منم رفتم  
تحصیل کردم. اگر چه هیچوقت اینکار نخواهد شد و  
بد بختی نه این کار را نخواهند کرد اما معذک بنویسید  
(دولت میتواند) که این حق دولت هم محفوظ بماند  
دیگر اینکه مینویسد همچنین کلیه کسانی را که از مدارس  
عالیه فارغ التحصیل شده و باخذ دیپلم از (لیسانس  
ببالا) نائل آمده اند فلان... این قسمت را بنده واقعا  
در کمیسیون بودجه ملتفت نشدم و حالا متنبه شدم  
و دیدم که در قانون ما برای محصلین یک حقوقی در  
اینجا معین کردیم و حالا هم میخواهیم جدید کنیم و  
یک چیزی هم اینجا بکنیم یعنی اگر کسی فارغ التحصیل  
از مدرسه شد... بنده بخل ندارم ولی این اصلاح  
بست شما می خواهید مستخدم زیاد کنید می دایره  
استخدام را وسیع میکنید آنوقت ممکن است شامل آنها هم  
بشود و در خدمت از رتبه سه باشد و می رود بالا. میخواهیم  
اعزام محصل اروپا بکنیم این مسئله دیگری است. پس  
این قسمت را بیایید در قانون استخدام اصلاح کنید  
آنقدر شما تشویق خدمت نکنید باین جهت با مکلف بودن  
دولت بنده مخالفم بارتبه سه وارد شدن و دو سال بدو  
سال بالا رفتن هم مخالفم. فقط درباره معلمین میتوانم  
موافقت کنم چرا؟ برای اینکه واقعا معلمی در ایران  
مبتذل شده وقتی شما نگاه کنید به معلمین واقعا باندازه  
پیشخدمت هم حیثیت ندارند. پنج تومان و هفت تومان  
و شش تومان حقوق بانها میدهند. حالا شما  
سی و پنج نفر را در صد نفر مکلف میکنید که باید  
معلم باشند. بنده از این جهت ممکن است موافقت

یکم اما فلاکس آقا که بخرج دولت در مبدیسه طب  
شما تحصیل کرده بعد هم بخرج دولت میرود طبیب می  
شود. آنوقت چه تکلیفی است برای دولت؟ چرا دولت  
با رتبه سه او را بپذیرد ۱۴ مگر ویزیت دو تومان نمی  
گیرد آیا وقتی بخدمات میرود پنج تومان نمیگیرد ۱۴ بنده  
فقط در باب معاین این ترتیب را قبول میکنم که ابتداء  
حق تعلیم را ازین بریم چون قانون استخدام هم تا بحال  
برای آنها معین نشده و ارتقاء رتبه نسبت بانها منظور  
نگردیده ولی نسبت بسایرین خیلی هم از خدا میخواهند  
و نمون بشوند که دولت بانها خرج تحصیل بدهد و آنها  
را بفرستد که يك مردمان عالم و کاملی بشوند و برگردند  
و باید اوست دولت از او میتواند استفاده کند  
نه اینکه هم مکلف است پول بدهد و هم او را با استخدام  
بر قرار کند.

معاون وزارت معارف - آقای نماینده محترم در ضمن  
بیانات خود همچو اظهار کردند که اگر شاگردها بخرج  
دولت بروند و تحصیل کنند و بعد برگردند و آزاد  
باشند بهتر است و بحال مملکت مفیدتر است این را بنده  
انکار نمیکنم همینطور هم هست البته آزاد باشد بهتر است  
ولی باید دید نقطه نظر دولت در تقدیم این لایحه چه  
بوده. اگر تنها نظر بسط علم و معرفت بود این البته  
صحیح است اما این نیست دولت يك حاجتی هم دارد  
میخواهد که آن حاجتش بر آورده شود و آن مسؤلیتی  
که بموده اوست درست ایفا شده باشد چنانکه آقایان  
البته ملاحظه فرموده اند دولت از چندین سال باین  
طرف شروع کرد برای رفع همین حاجت که يك اعتباری  
در بودجه خودش بگذارد برای فرستادن شاگرد به  
فرنگستان. وزارت فوائد عامه مهندس میخواهد، صحنه  
طبیب میخواهد، وزارت معارف معلم میخواهد، همینطور  
سایر وزارتخانه ها. این لایحه برای این تدوین شده است  
که اولاً شاگردها در تحت نظر و مسؤلیت يك وزارتخانه  
و مراقبت و سرپرستی يك سرپرستهای کافی و دقیق و عالی  
قرار بگیرند و بالاخره آن نتیجه که دولت میخواهد

بگیرند البته زیاد است ولی اگر بخواهید همه را مربوط  
کنید می بینید همه اینها لازم است. از يك طرف ما  
محصلین را موظف میکنیم که بروند تحصیل کنند و بر  
گردند ضعف مدت را بشما خدمت کنند آنوقت اگر  
بخواهید هیچ مزایائی برای آنها قائل نشوید کسی حاضر  
نمیشود بنده عرض می کنم برای این ده نفر که چند  
روز قبل میخواستیم بفرستیم فقط بیست و هفت نفر  
حاضر شده بودند آنوقت اگر يك همچو تضییقاتی بشود  
قطعا کسی نمیرود پس باید يك مزیتی قائل شد. آن  
مزیت هم این است که اولاً دولت را مکلف کنیم که  
آنها وقتی برگشتند حتماً کار داشته باشند و یکی اینکه  
بآنها حتماً تحصیل نکنیم که شما بیائید مطابق قانون استخدام  
خدمت کنید تازه بیائید می رود و اومان حقوق بگیرد  
این است که شرط کرده ایم آنها را به رتبه سه وارد  
کنیم که هم تشویق از آنها شده باشد و هم منظور دولت  
فراهم شده باشد و رفع حاجتش شده باشد

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود  
(بمضمون ذیل قرائت میشود)

پیشنهاد آقای بامداد

پیشنهاد میکنم (مکلف است) تبدیل شود به کلمه  
(میتواند)

بامداد - بنده توضیح زیادی ندارم همان است که  
عرض کردم و این يك کلمه است که هم برای دولت  
خوب است و هم برای آنها ولی این کلمه مکلف است  
اسباب زحمت خواهد شد

مخبر - بنده تصور میکنم با توضیحاتی که آقای  
معاون وزارت معارف دادند و با توضیحاتی که در کمیسیون  
بود چه در این باب داده شد این پیشنهاد صلاح نباشد  
محصلینی که بخارج فرستاده میشوند و زحمت میکشند  
همانطور که دولت آنها را مکلف میکند باید يك مزایائی  
هم برای آنها قائل شود و الا يك شاگردی که مدت  
ده سال تحصیل میکند قانون استخدام با اجاره میدهد

که بود در ادارات دولتی و هر دو سال يك رتبه بالا برود  
در اینصورت دلیل ندارد که اینها بروند این همه زحمت  
بکشند و با وضعیت فعلی قانون استخدام از رتبه اول وارد  
شوند و همان سی و دو تومان را بگیرند. دولت خواسته  
است تشویق بکند که آنها بروند باین جهت آمده معافیت  
نارتبه سه را برای آنها قائل شده و بعقیده بنده این  
خیلی لازم است.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای بامداد را قابل توجه  
میدانند قیام فرمایند

(عده قابل قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای آقا سید  
بعقوب.

(بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در ماده سوم بعد از کلمه (مکلف  
است) اضافه شود در صورت احتیاج.

رئیس - آقای آقا سید بعقوب

آقا سید بعقوب - اصل موضوع درست معلوم نیست  
آنچه که بنده عقیده داشتم در این اقدامی که دولت کرده  
است این بود که يك کاری بکند که انقلاب علمی  
و ادبی در مملکت ایجاد کند نه اینکه بخواهد دولت  
برای استخدام مستخدمین خودش يك راهی درست کند  
بنده عقیده ام این بود. بنده بکنفر از نمایندگان هستم  
و رأی میدهم باین صد هزار تومان و حاضریم دو مرتبه  
رأی بدهم چون همینچور که ملل راقیه که رقی  
کردند رقی شان این طور بوده است که يك دفعه  
يك عده را روانه کردند. یکی دو سه ناروانه نکردند  
يك مرتبه بکده زیادی روانه کردند و برگشتند و آمدند  
يك انقلاب علمی و تجردی در مملکت ایجاد کردند.  
بنده عقیده ام این است و این لایحه هم اصل و فلسفه اش  
باید این باشد نه اینکه ما بخواهیم طریق کفترات یا  
استخدام مستخدمین را برای دولت معین کنیم. بنا بر  
این اگر این است بگوئید دولت محتاج است برای تعلیم  
و تربیت و استخدام در فنون مختلفه يك عده را در تحت

شرایط معینی استخدام کند و روانه نماید. اگر این لایحه را آن جور میخواهند تنظیم کنند و الا این مقدمات که سال اول صد هزار تومان سال دوم دو صد هزار تومان تا برسد سال ششم بشصده هزار تومان با این منافات دارد چون معنی میبرد روی فلسفه علمی و انقلاب تجدیدی و بنده عقیده ام اینست که با این ترتیب بهتر نتیجه میگیریم تا اینکه ما بیائیم شرایط را از برای مستخدمین دولت قرار بدهیم این چند نفری که رفته اند بر میگردند میآیند در این اطاقهای ادارات و آن فواید را ما حاصل نمیکنیم و ملت متجدد نمی شود ملت رو بترقی نمی رود با اصطلاح چرانی است که شعاع او محدود بهمین جا میشود نه یک چرانی است که در مملکت روشن کرده باشیم و مملکت را زنده کرده باشیم. حالا نظر باین عراض عرض میکنم منافات ندارد که دولت مکلف باشد اما در صورت احتیاج اینها را قبول کند که بگذارد اتکاء بنفس پیدا کنند و اینقدر توجه با ادارات نداشته باشند چنانچه بعضی در التکراف بیسیم زحمت کشیده اند و میگویند بنده حاضر برای استخدام رتبه اول را هم باور نمیدهند. بگذارید عالم زیاد شود در مملکت نه مستخدم که پس فردا برای منتظرین خدمت با آقای دادگر دست بگریبان شویم

رئیس - آقای عراقی  
عراقی - این فلسفه را که آقای آقا سید یعقوب بیان فرمودند و خیال میکنند این لایحه باید یک انقلاب علمی و ادبی در مملکت ایجاد کند بنده تصور میکنم از این ماده سوم که مینویسد دولت مکلف است کلیه کسانی را که بر طبق این قانون فارغ التحصیل میشوند در شعبی که مربوط به تحصیلات آنهاست مصدر خدمت نماید جلوگیری و مانع از این انقلاب علمی و عملی نخواهد شد. اولاد دولت با ملت فرق ندارد که میگویند مستخدم دولت زیاد می شود. مستخدم دولت یا بنده و حضرت عالی و سایر آقایان همه افراد این مملکت هستیم و باین مملکت خدمت میکنیم و این فایده اش اینست که عجلایه یک تشویقی

از آنها میکند چون اگر یک کسی عملیتش در یک فنی خیلی خوب باشد و دولت بخواید او را استخدام کند قانون استخدام مانع او است و باید او را کنتراست کنند اما اینجا نوشته ام دولت مکلف است برای این که وقتی که برکشت بمملکتش آن علمی را که تحصیل کرده از بین نبرد. چه باید کرد؟ ما هنوز خیلی چیزها است که نداریم فعلاً در مملکت ما هر چه هست با دولت است. و دولت باید اینها را تشویق کند تا با اطمینان بروند و تحصیل کنند و برگردند با اینجا و دولت هم باید مکلف باشد که هم از اینها تشویق کند و هم استفاده و البته اینها باید کار بیاورد مانند و از علمی که تحصیل کرده اند بوسیله کار خودشان باید استفاده بدهند

رئیس - رای گرفته میشود بقبول توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شیروانی (مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در عوض دولت مکلف است نوشته شود محصلین مکلف هستند  
رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده تصور میکنم این ماده از روی حسن نیت نوشته شده و مقصود اساس دولت این بوده که یک عده محصل با پول مملکت بارویا بفرستند ولی بنده خیال میکنم که در طرز تحریر مبتدا و خبر این ماده اشتباهی شده و بنظر متناقض میآید بنده الان ماده را میخوانم تا آقایان ملاحظه فرمایند. مینویسد: دولت مکلف است کلیه کسانی را که بر طبق این قانون فارغ التحصیل میشوند در شعبی که مربوط به تحصیلات آنهاست مصدر خدمت نماید و چنانچه از تاریخ مراجعت بایران تا مدت ۶ ماه خدمتی بانها رجوع نکرده اند میتوانند برای خود شغل دیگری تدارک نمایند ابتدا در مبتدا با یک جمله دولت را مکلف میکنند ولی در خبر آنها را آزاد میکنند در صورتیکه باید نوشته شود

محصلین مکلفند که اگر دولت خدمتانی دارد حتماً قبول کنند و چنانچه بعد از شش ماه دولت خدمتی بانها رجوع نکرد آنوقت آزاد هستند که بروند و برای خودشان شغل آزادی پیدا کنند منظور دولت هم گویا همین بوده چنانچه از اول لایحه تا آخر تمام شرایط را برای محصل قرار داده برای دولت شرایطی قرار نداده فقط در تبصره یک حقوقی برای محصلین قائل شده و حقاً هم باید قائل شود.

اما اینکه بعضی از آقایان برای این محصلین دلسوزی میکنند مثل این است که اینها را یار دبیل میفرستند که در آنجا مشغول اعمال شاقه باشند. این طور نیست بفریبده بنده در ظرف این پنج شش سال این اشخاصی که میروند خوش بخت ترین اشخاص هستند زیرا با پول دولت میروند و در بهترین نقاط دنیا مشغول تحصیل میشوند و یک آدم عاقل و کامل و تحصیل کرده میشوند و بر میگردند و جامعه هم با آنها احتیاج پیدا میکند. البته هر کس هم که با پول خودش برود آنجا و تحصیل کند خوش بخت است تا چه رسد باین اشخاص که صد دینار و سه شاهی از مردم بدبخت مالیات میگیرند و خرج سفر و تحصیل بانها میدهند و با پول دولت و مملکت ایشان را برای تحصیل بارویا میفرستند. پس حتماً باید از وجود این اشخاص استفاده کرد و حقاً محصلین را باید مکلف کرد. اگر هم مقصود چیز دیگری است خوب است توضیح بدهند تا بنده پیشنهادم را مسترد بدارم.

مخبر - تصور میکنم آقای شیروانی توجهی به قسمت ۱ ماده دوم نفرمودند و این پیشنهاد در امر مردان ماده دوم قسمت ۱ را برانداخته میخوانم. ملاحظه فرمایند بموجب این ماده مجبورند هر خدمتی را که دولت بانها رجوع میکند قبول کنند و آنها ضعف مدنی را که بخرج دولت تحصیل کرده اند مجبورند در عوض بدولت خدمت کنند و این خدمت هم پس از فراغت از تحصیل و اخذ دیپلم در شعبه تحصیلاتشان خواهد بود. پس چنانچه ملاحظه فرمایید در این

قسمت محصل را مکلف کرده ولی در یک قسمت هم دولت باید مکلف باشد. بنده بطور اختصار یک حسابی کرده ام ولی حالا اجازه فرمائید عرض میکنم تا دیگر نظیر این پیشنهاد نشود.

بکنفر محصل که امروزه از یک مدرسه متوسطه بیرون میآید و تا کلاس نه را بیشتر ندیده مطابق قانون استخدام در یکی از ادارات دولتی میبرد بعد از شش سال برتبه چهار میرسد ولی بکنفری که از اینجا بارویا میبرد و چندسال در آنجا درس میخواند و زحمت میکشد تازه که میآید در اینجا برتبه سه پذیرفته میشود و حال آنکه تحصیلات این دو نفر هم هیچ طرف است با هم نیست و البته دولت ناگزیر است که برای یک محصلی که دوازده سال تحصیل کرده یک حقوقی قائل شود زیرا این آدم وقتی که آمد و در اداره رفت دیگر نمیتواند زیر دست بکنفر محصل کلاس نه ابتدائی کار کند

رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای شیروانی..  
شیروانی - بنده استرداد میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده سه را بطریق ذیل پیشنهاد میکنم  
دولت مکلف است کلیه کسانی را که بر طبق این قانون فارغ التحصیل میشوند در شعبی که مربوط به تحصیلات آنهاست در حدود معلومات و زحمتشان پس از خدمت ابتدائی در رتبه دو تا چهار استخدام کشوری بخدمت بگمارد

رئیس - آقای فهیمی  
فهیمی - در این ماده آقای آقا سید یعقوب اظهار میفرمایند میخواهیم انقلاب علمی درست کنیم اما متأسفانه پیشنهادی که میفرمایند باین پیشنهادشان عناصر انقلاب را از حلالی میکنند چطور پول بدهیم؟ و چه کار کنیم؟ این حرفها هیچ نتیجه ندارد. بلکه بنده آن قسمتی را که آقای شیروانی گفته بیشتر تأیید میکنم. در قسمت اول این محصلین را امیدوار میکنند ولی در قسمتهای دیگر قید میکنند

که پس از ششماه اگر دولت يك كاری بانها نداد آنها می توانند کاری برای خودشان پیدا کنند و با اینحال باز شرط شده است که تا چهار سال هر وقت دولت وجود آنها را لازم بداند میتواند آنها را بر گرداند و این شرط بکلی قسمت اول را از بین میبرد و نتیجه این میشود که این آقایان شاگرد ها ( که هنوز معلوم نیست کی ها هستند ) تشویق میشوند . ما که میخواهیم این ها را از مملکت خارج بکنیم . ما میخواهیم قانون وضع کنیم برای اینکه بروند و برگردند . خود آقایان میدانند مگر ما در مملکت چه قدر اشخاص تحصیل کرده و عالم داریم که حالا میترسیم از اینکه اینها پنج شش سال دیگر که بر میگردند وارد کار شوند . ما وضعیت چند سال بعد را هیچ نمیدانیم تا آنوقت قانون استخدام چه وضعیتی خواهد داشت ؟ و طرز مواد و اجرای آن تا آنوقت چه شکل خواهد بود ؟ زیرا يك معایبی در قانون استخدام هست و باید اصلاح شود از قبیل ماده ۶۷ و ۷۳ یا مواد دیگر که معلوم نیست تکلیفش از چه قرار خواهد بود . مثلاً یکی از معایبی که این ماده دارد راجع بخدمت ابتدائی است که محصلین باید معاف باشند امروزه قانون استخدام خیلی از مالک را که بنده دارم یکی از شرایطی که خیلی اهمیت میدهند همین مدت خدمت ابتدائی است . درجات خدمت را سه چهار طبقه میکند یعنی لازم نیست که تمام مستخدمین دولت از اول ورود بخدمت دارای يك رشته معلومات باشند درجات اول معلوماتش باید کمتر از درجه بالائی باشد و همینطور به بالا . آنوقت هر کس در هر طبقه که وارد میشود باید از شش ماه تا سه سال خدمت ابتدائی بکند اگر از عهده امتحانات خوب بر آمد آنوقت باو کار میدهند . زیرا ممکن است يك شخصی در مدرسه تحصیلات خوب کرده باشد و امتحانات علمی را هم خیلی خوب بدهد ولی وقتی در عمل داخل شد از عهده خدمات بر نیاید این يك اصولی است که در همه جا معمول و مجری است . این اشخاص هم که در خارج

تحصیل میکنند و اطلاعات بدست میآورند ناچار برای آنها باید يك خدمت ابتدائی قائل شد . تا در عمل اگر خوب از عهده بر آمدند که هیچ و اگر از عهده خوب بر نیامدند دیگر دلیل ندارد که آنها را نگاهدارند این است که بنده پیشنهاد کردم دولت آنها را نگاهدارد رتبه دو تا چهار هم از ابتدا بآنها داده شود که خیلی رتبه پائین بآنها داده نشود

رئیس - آقای عراقی

عراقی - اگر چه آقای فهیمی فرمودند که بنده عصبانی میشوم ولی در این مورد اصافاً ایشان نه ملاحظه دولت را کردند و نه ملاحظه محصلین را . آقای آقا سید یعقوب که آن پیشنهاد را کردند ملاحظه حال دولت را کردند و بنده جوابشان را هم عرض کردم . ولی سرکار مراعات حال دولت را هیچ نکرده اید و بیش از این هم جواب عرض نمیکنم .

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

( چند نفری برخاستند )

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای بهار ( باین نحو قرائت شد )

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل بماده سه ضمیمه شود تبصره - هر کدام از افراد فارغ التحصیل که بخرج دولت تحصیل کرده و دولت او را با استخدام دعوت نموده باشد میتواند حاضر بخدمت دولتی نشده و برای خود شغل آزاد اختیار نماید مشروط بر اینکه تمام مخارجی را که دولت در مورد آن محصل نموده است از عهده بر آید

رئیس - آقای بهار

بهار - به عقیده بنده این ماده با تمام رعایت اطراف درست شده و ماده خوبی است که دولت تهیه کرده ولی يك نقصی در این جا هست که بنده تصور میکنم بوسیله این پیشنهاد آن نقص مرتفع میشود . در اینجا بطور افراط و تفریط عقاید آقایان مذاکره شد . بعضیها عقیده دارند که با این ضیق بودجه دولت يك عده را میفرستد و تحصیل میکند

و میبایند این جا و این جا که آمدند باید آزاد باشند این به عقیده بنده صحیح نیست . زیرا این عمل برای دولت هائی خوب است که رزوت زیاد داشته باشند و مستخدمین عالم و فاضل زیاد در دوائر شان کار میکنند در اینصورت اگر دولت برای خدمت مردم و ملت نبره آ بك چنین عملی را عهده دار شود یعنی چند نفر را بخرج خودش بآروبا بفرستد و اینها بروند تحصیل کنند و وقتی که بر میگردند آزاد باشند خوب است . ولی برای مملکت ما که از هر حیث ضعیف است . هم از نقطه نظر بودجه و رزوت و هم از نظر داشتن افراد و اعضای کافی و لایق اداری این ترتیب خوب نیست . و اینهایی که میروند باید مجبور باشند بدوات و مردم استفاده بدهند . از طرفی هم بعضی از آقایان معتقدند که وقتی این شاگرد ها از فرنگ برگشتند هم دولت مکلف باشد آنها را با استخدام دعوت کند و هم آنها مکلف باشند هر ساعت که دولت خواست و اراده کرد دست از کارشان بردارند و بیایند استخدام دولت را قبول کنند و نوکر دولت شوند این قسمت هم بعقیده بنده صحیح نیست و باید این دو نظر را گرفت باین معنی که اگر تا شش ماه از آنها دعوت نشد و این اشخاص رفتند و برای خودشان کار پیدا کردند مثلاً بهندس شدند و يك حقوقی برای خودشان تحصیل کردند دیگر مجبور نباشند بعد از چهار سال يك دفعه دست از نوکری و کار خودشان بکشند و با رتبه سه اداری بیایند و نوکر دولت شوند و این البته صحیح نیست . ما امروز را نباید نگاه کنیم و نظرمان باید بآئیه باشد که در این مملکت راه آهن و کارخانه خواهد آمد و کار زیاد خواهد شد . و در مملکت تجارت رونق خواهد گرفت و شرکت ها دائر خواهد شد و افراد تحصیل کرده مثل امروز بیکار نخواهند بود و ما یقین داریم که در آئیه چه مؤسسات داخله و خارجه باین اشخاص محتاجند و با حقوق گراف این ها را استخدام خواهند کرد لهذا طوری ما باید این قانون را بنویسیم که هم دولت آزاد و مختار باشد در دعوت این ها و هم این ها مکلف باشند

که بیایند در مملکت و به مملکت خودشان استفاده بدهند و در عین حال اگر يك نفری آمد و تحصیلات صحیحی کرد و نحواست برود و نوکری دولت را بکند و ماهی چهل تومان یا شصت تومان بگیرد و خواست نوکری برای خودش پیدا کند و چنین شخصی آزاد باشد و دولت نتواند پشت گردن این آدم بزند و او را برای نوکری خود بیاورد . خوب در این صورت چه باید بشود ؟ در این موقع باید آن پولی را که دولت برای او خرج کرده بدهد و پی کار خودش برود . . . .

یکی از نمایندگان - باقسط .

بهار - حالا باقسط یا غیر اقساط آرا بنده نظری ندارم . و البته مرضی الطرفین خواهد بود . در هر حال مراد بنده این است که برای محصلینی که میخواهند نوکر دولت شوند و میخواهند آزادانه برای خودشان شغلی پیدا کنند درد سر برایشان ایجاد نشود و هرروزه يك وزیری نتواند بیاید و اسباب زحمت این ها را ایجاد کند این شخص باید آزاد باشد منتهی وقتی که کار آزادی برای خودش پیدا کرد باید از عهده مخارجی که دولت برایش نموده بر آید این ترتیب در سایر ممالک دنیا هم نظائر دارد در کمیسیون معارف هم در این خصوص خیلی مذاکره شد . آقای معارف هم موافق بودند لهذا خواهش میکنم آقایان با این ترتیب موافقت بفرمایند زیرا ضرری ندارد

رئیس - آقای رفیع

رفیع - آقای بهار در ضمن توضیح پیشنهاد خودشان و عقایدی که راجع باین موضوع فرمودند جواب هر يك را هم علیحده دادند و در قسمت پیشنهاد خودشان اجازه میدهند که بنده فقط جواب همان پیشنهادشان را بدم البته تصدیق میفرمایند که دولت ناچار نیست و وقتی که این کار را میکنند البته نظارش برای رفع احتیاجات است بالاخره وقت نباید تلف شود . شش سال که بخرج دولت رفته و زحمت کشیده حالا که بر میگردد برای جامعه و مردم باید فائده داشته باشد آقا شاید خودشان

خوب بدانند که در مملکت يك کمپانی هائی هست که به محض اینکه فهمیدند که دولت حاضر است پولش را بگیرد و مستخدم را آزاد بگذارد فوری حاضر میشود که يك دفعه بیست هزار تومان بدهند و خودشان از آن مستخدم استفاده ببرند - آقای عدل فرمودند با قسطنط بدهد بنده عرض میکنم خیر يك دفعه هم حاضرند عوض مستخدمین بدهند و آنها را برای کارهای شخصی خودشان استخدام کنند. پس ما نباید این ترتیب را قبول کنیم دولت برای استخدام شخص خودش که نمیکند، بلی اگر برای استخدام شخص خودش بود بنده هم مخالف بودم ولی دولت برای استخدام وزارت خانها و استفاده عموم میخواهد و جامعه و مردم باید از اینها استفاده ببرند - پس باید با همان ترتیبی که دولت پیشنهاد کرده موافقت کرد تا مملکت میتواند از وجود اینها فایده بهره در شش ماه اول اگر دولت لازم داشت استخدام میکند و اگر تا آنوقت لازم نداشت تا مدت چهار سال هر وقت سه ماه قبل دولت آنها اطلاع داد باید حاضر شوند. يك چیز دیگری که بنده عرض میکنم این است این آقایانی که داوطلب رفتن میشوند و بالاخره امتحان میدهند از این ترتیب و تصمیم دولت قطعاً اطلاع پیدا خواهند کرد. دولت که نمیکند جماعتی را بیارند و بجزیر کنند و آنها بگویند حکماً برو تحصیل کن. خیر البته اینها هر روز روز نامه میخوانند و روز نامه امروز را می بینند و از قانونی که از مجلس گذشته اطلاع پیدا خواهند کرد و بمیل خودشان برای مسابقه حاضر خواهند شد و زور نیست. البته هر کس که میل ندارد نباید و هر کسی هم که حاضر میشود با قبول این شرایط است. هیچ عیبی ندارد که اینها بروند و تحصیل کنند و برگردند و مستخدم دولت شوند و بمملکت خودشان استفاده کنند. پس خوب است خود آقای بهار هم موافقت کنند و همطور بکه در قانون نوشته شده قبول کنند.

رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای بهار آقایانیکه

قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
(چند نفری قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شریعت زاده.

(مضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم عبارت قسمت اخیر ماده سه از کلمه ولی تا آخر حذف شود

شریعت زاده - نقطه نظر آقایان نمایندگان و دولت این است که اشخاص که فارغ التحصیل شده اند مکلف باشند که ضعف مدت تحصیل را در ادارات دولتی خدمت کنند

البته این صحیح است ولی در ضمن پیشنهاد شده که پس از مراجعت اگر دولت کاری بآنها نداد و ایشان کار آزادی برای خودشان پیدا کردند بعد از چهار سال باز دولت این حق را داشته باشد که آنها را دعوت کند. بنده بجهانی با این قسمت مخالفم. غرض این است که اولاً در اعزام محصلین خارجه نقطه نظر مجلس و دولت تهیه عده کافی اشخاص متخصص برای رفع احتیاجات مملکت است و نظر اساسی این است که در این مملکت وسائل تولید و رفیع احتیاجات عامه فراهم شود. بنابر این اگر بعد از مراجعت آنها يك نفر یا پنج نفر از بینشان طرف احتیاج واقع نشوند و رفتند کار آزادی برای خودشان تعقیب کردند و در مدت چهار سال برای زندگانی خودشان يك تشکیلاتی دادند آنوقت هیچ انصافی اجازه نمیدهد که رشته زندگانی آنها را که برای خودشان تهیه کرده اند دولت هم زند و اساساً هیچ زدی نیست که آن چهار سال اول مبرزین مراحل زندگانی يك جوانی است و وقتی که يك تشکیلاتی در امور زندگی خودش داد انحراف او و الزام بان که نقشه زندگانش را بکلی بهم زند این برخلاف مصالح مملکتی است. بعلاوه ما فعلاً تصور میکنیم که قدر کافی مؤسساتی که سرمایه کافی داشته باشند و بخواهند از وجود این اشخاص استفاده کنند نداریم ولی آیا بعد از پنج شش سال دیگر هم مسئله همینطور است؟ و تصور نمیشود سرمایه ها بکار میافتد و ماشین ها و مؤسسات

بهر کافی در مملکت تشکیل شود؟ این جهت بنده تصور میکنم که این الزام خوب نیست به علاوه در موقعی که مراجعت کردند دولت باید تشخیص بدهد که بوجود این اشخاص محتاج است یا نه؟ اگر محتاج است که آنها را دعوت کند و اگر هم نیست آزادشان بگذارد دیگر الزام باینکه پس از چهار پنجسال که اینها رفتند و برای خودشان کاری پیدا کردند این مخالف با آب اصلی است که در مملکت باید طرفدار مشاغل آزاد بود و بالاخره اشخاصی باید در مقررات زندگانی خصوصی خودشان آزاد و مختار باشند. در سابقه آن کار کند

رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - در ضمن جواب آقای بهار عرض کردم که اصلاً نظر مجلس به خیر عموم است. نظر نظر عموم است نه نظر اشخاص بنده هم تصدیق میکنم ممکن است اسباب زحمت برای بعضی ها باشد و متأثر شوند ولی از طرف دیگر باید این فکر را هم کرد که چندین میلیون نفوس ایران و مردم مملکت از این ترتیب خوشوقت خواهند بود ما در امور باید جنبه عمومی را در نظر بگیریم نه جنبه خصوصی را. ما الان معلم نداریم وقتی که يك عده از این شاگردان برای معلمی میروند وقتی که بر میگردند البته هر وقت دولت لازم بداند باید از وجود اینها استفاده کند و اینها باید معلمی کنند. همینطور مهندس فردا ممکن است کارخانجاتی در این مملکت تأسیس شود. ما حالا بقدر کافی مهندس نداریم اینها که میروند البته باید از معلومات خودشان به مملکت و دولت و مردم استفاده بدهند. فردا ممکن است در مملکت کار زیاد شود و ما بوجود این اشخاص محتاج خواهیم بود و باید فائده ببریم و بالاخره اینها هم زیاد نباید متأثر باشند. البته اینها که میروند و يك اطلاعات علمی تحصیل میکنند و برگردند باید از معلومات خودشان به مملکت استفاده بدهند زیرا از پول ملت و مملکت تحصیل میکنند و آن کسیکه از پول مملکت استفاده میکند باید استفاده هم

بدهد. و بالاخره چون متضمن منافع عمومی است از این جهت نباید خیلی آزاد باشند لذا استدعا دارم آقایان هم همین ترتیب موافقت کنند که زودتر بگذرد شریعت زاده - بنده مسترد میدارم

پیشنهاد آقای فیروز آبادی:

بنده اصلاح ذیل را در ماده چهار پیشنهاد میکنم که تا مدت شش ماه در اول ماده مبدا سه ماه و تا مدت چهار سال مبدا شش ماه به دوازده سال و آخر ماده که نوشته شده که مادام که خدمتی رجوع نکرده اضافه و یارد نکرده

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - مکرر بنده این عرض را کرده ام و از آقایان استدعا دارم دلننگ نشوند این لایحه صد هزار تومان نیست بلکه بیست کرور سی کرور است. و يك چیز جزئی نیست که ما میخواهیم زود بگذرانیم. يك مبلغ خیلی کلی است و باید خیلی بدقت در آن مطالعه شود. تا يك مسابقه نمیشود يك همچو لایحه بان مهمی را گذرانند. حالا هم وقت گذشته. پیشنهاد ختم جلسه هم شده اگر حالا مقتضی میدانید همین حالا اجازه بدهید عرض را عرض کنم و الا برای وقت دیگر مذاکره شود. در اینجا نوشته شده تا شش ماه تا سه ماه کافی است چرا شش ماه باشد و بعد از سه ماه باید باو کار رجوع کنند. در جای دیگر نوشته شده مدت چهار سال اگر باو رجوع نکردند معلوم میشود دولت دیگر حقی باو ندارد و این مدت را باید زیاد کرد و دو سه سال قرارداد زیرا از پول این ملت رقی کرده و باید باین ملت هم خدمت کنند پول مردم است. شوخی نیست. باید کاملاً مراعات کرد. هر وقت دولت خواست که خدمت باو رجوع کند باید قبول کند اگر قبول نکرد باید مخارجی که در باره او شده پس بدهد نمیکند زود از این جهت بنده این پیشنهاد را کردم. آقایان درست ملاحظه کنند اگر خوب است قبول کنند و الا رد کنند مخبر - عرض میکنم این قضیه طرف افراط و تفریط



بخودش گرفته منظور دولت و مجلس تنها این نیست که این مستخدمینی که میروند تحصیل میکنند دچار زحمت بشوند نظر دولت این است که اینها بروند و از وجودشان استفاده کنند. اینکه گفته میشود میخواهند بروند بروند نروند این خوب نیست باید ضمناً اینها را تشویق کرد و وسایل تشویق و ترغیبشان را فراهم نمود و چون نظر همین است که بروند تحصیل کنند خوب است حضرتعالی هم با آنها همینطور مساعدت فرمایند فیروز آبادی - اگر خادم هستند میروند

رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس تصویب نشد. پیشنهاد آقای زعیم (باین ترتیب خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده سه حذف شود.

رئیس - آقای زعیم

زعیم - بنده آنچه که از ماده سه استنباط کرده ام دیدم از تدوین این ماده دو نظر داشته اند یکی اینکه دولت در نظر داشته با پول ابران يك اشخاصی بخارجه بروند و تحصیل کنند و وقتی که بر نشتند اگر دولت خواست از وجود آنها استفاده کند آنها مجبور باشند بدولت استفاده بدهند بنده تصور میکنم اصلاً این مسئله فرستادن شاگرد با روپا يك کار پدرانیه است. و هیچ پدری نیست که وقتی بچه اش را به مکتب فرستاد با يك شرایطی باشد وانگهی آدمی که رفت و درست تحصیل کرد

و وظیفه خودش را فهمید هر وقت که برگشت بجامعه و مملکت و فقرا و بالاخره کسانی که باو احتیاج دارند خدمت خواهد کرد زیرا يك آدم وظیفه شناس هیچ وقت از زربار خدمت مملکت شانه خالی نمیکند. نظر دیگری که از تدوین این ماده در کار بوده این است که اطفالی را که دولت بفرانك میفرستند وقتی که رفتند و تحصیل کردند از زحمت و علم خود شایسته فائده ببرند و تحصیلات آن ها بی ثمر نماند. در این نظر هم بنده تصور میکنم اختصاص نباید داد که چون اینها را دولت بفرانك بخارج خود میفرستد از این جهت همین عده بخصوص زندگانی شان تأمین شود و از آنها رعایت شود. بلکه همه همین حالات را باید داشته باشند لهذا بنده هیچیک از این دو نظر را در این مورد وارد نمیدانم از اینجهت پیشنهاد حذف این ماده را نمودم زیرا موردی ندارد که حکماً یا اطفال مجبور و مقید باشند یا دولت مکلف بستمخدام اینها باشد.

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است

بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - ولی يك رأی بیشتر باقی نمانده

(پس از قدری تامل عده از نمایندگان وارد شدند)

رئیس - رأی میگیریم به ماده سوم آقایانیکه موافقت

قیام فرمایند

(جمعاً قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. جلسه را ختم میکنیم

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)